

## تحلیل تأثیر حس مکان در مجموعه‌های مسکونی محصور (مطالعه موردی شهرک نفت اهواز)

مائدہ میاھی\*، بهزاد وثیق\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۶/۲۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

### چکیده

مجموعه مسکونی محصور یعنی مناطق مسکونی با دسترسی محدود که اخیراً در سراسر دنیا گستردگی شده‌اند. این مجموعه‌ها برای دستیابی به کیفیت بالای خدمات خصوصی و فرار از بی‌نظمی شهری به طور گستردگی تر طراحی شدند. سنجش حس مکان می‌تواند معیاری برای میزان موفقیت یک مجموعه مسکونی یا معماری باشد. تعلق خاطر نشانگر میزان پهنه‌نگی طراحی شهری و معماری خواهد بود. تاکنون این مؤلفه‌ها در فضاهای با محوریت شغلی و یا فعالیتی بررسی نشده‌اند و ساختار تحقیق بدون مداخله متغیر هدف ساخت پروژه در نظر گرفته شده است. هدف پژوهش یافتن عواملی است که در ایجاد حس مکان در مجموعه مسکونی محصور می‌تواند تأثیرگذار باشد. نمونه موردی، شهرک کارکنان شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب، است. نوع پژوهش کمی و روش پژوهش از نوع همبستگی- پیمایشی است. جمع آوری اطلاعات به‌وسیله توزیع تصادفی پرسشنامه بین ساکنان بالای ۱۸ سال، انجام گرفته است. پرسش‌نامه در قالب طیف لیکرت تهیه و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۶۲ نفر می‌باشد. تجزیه و تحلیل آماری نتایج با کمک نرم‌افزار SPSS و به کارگیری آزمون همبستگی آسپرمن برای سنجش مدل پژوهش و ارزیابی اعتبار آن و از آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی متغیرها استفاده شد. نتایج نشان داد همبستگی معناداری بین کالبد فیزیکی (خصوصی و همگانی)، فعالیتها و تعاملات اجتماعی و فرا معماری وجود دارد. وزن درصدی آزمون فریدمن، مؤلفه‌ها اصلی به ترتیب کالبد خصوصی ۳۱/۱۲ درصد که بیشترین تأثیر را بر حس مکان را دارد و بعد از آن کالبد همگانی با وزن ۲۵/۵۰، فرا معماری با وزن ۲۴/۳۰ و فعالیت و تعاملات اجتماعی با وزن ۱۹/۱۰ است. نتایج آزمون رتبه‌بندی فریدمن زیر مؤلفه‌ها نشان داد که زیر مؤلفه نظافت و پاکیزگی، تداعی مذهبی و دسترسی به حمل و نقل شهری بالاترین میانگین رتبه را دارند. این زیر مؤلفه‌ها، از مهم‌ترین عوامل و بیشترین تأثیر بر حس مکان در شهرک نفت هستند. بعد از سازمان‌دهی و کیفیت فضاهای داخلی، تعاملات و مشارکت اجتماعی و دسترسی به خدمات شهرک قرار دارد. زیر مؤلفه‌های احساس امنیت در شهرک و مدت سکونت ساکنین کمترین تأثیر را بر حس مکان دارند.

### وازگان کلیدی

حس مکان، شرک نفت، مجموعه شهری بسته، شهرک-شرکت‌ها، اهواز.

m.mayahi@karoon.ac.ir

\* استادیار، گروه معماری، موسسه آموزش عالی کارون، اهواز، ایران (نویسنده مسئول).

\*\* عضو هیات علمی گروه معماری دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور دزفول - رویروی پایگاه چهارم شکاری شهید وحدتی، دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور دزفول، دزفول، ایران vasiq@jsu.ac.ir

## مقدمہ

مجموعہ مسکونی مخصوص یک جامعہ مسکونی است کہ دارای یک دروازہ برای امنیت آنها واقع در ورودی آن است۔ گاہی اوقات کل محلہ در محیط از دروازہ‌ها مخصوص است. توسعہ مجتمع‌های مسکونی در یک جامعہ مخصوص، با دسترسی کنترل شده است (Bekleyen, ۲۰۱۶، Makinde و ۲۰۱۴)۔ این اقدامات کالبدی، با استخدام یک نگہبان صورت می گیرد جایگزین مکانیسم‌های کنترل اجتماعی سنتی می‌شود که بر انسجام اجتماعی در جامعه مربوطه استوار است. در شکل مدرن خود، یک مجموعہ مسکونی مخصوص، شکلی از اجتماعات مسکونی یا خانه‌های مسکونی است که شامل ورودی‌های کاملاً کنترل شده برای عابران پیاده، دوچرخه‌ها و اتومبیل‌ها است و که اغلب با محیط بسته از دیوارها و نرده‌ها مشخص می‌شود (El-Ekhteyar, Furlan, ۲۰۱۶). جوامع مخصوص معمولاً از خیابان‌های مسکونی کوچک تشکیل شده‌اند و دارای امکانات مشترک مختلفی هستند. در جوامع کوچکتر، ممکن است فقط در یک پارک یا سایر مناطق مشترک باشند. برای جوامع بزرگ‌تر، ممکن است ساکنان اکثر فعالیت‌های روزانه خود در مجموعه انجام دهند. مجموعہ مسکونی مخصوص به منطقه‌ای فیزیکی اطلاق می‌شود که در محیط اطراف خود حصار یا دیوار کشیده شده است، یا دسترسی به این مناطق را با استفاده از دروازه‌هایی، کنترل می‌کنند (Iroham and et al, ۲۰۱۴)۔ مجموعہ مسکونی مخصوص (جوامع دروازه دار) به عنوان محلہ‌ای که به طور خصوصی اداره می‌شوند تعریف می‌شوند و این مجتمع‌ها در طی فرآیندہای حومه نشینی در آمریکا در اوایل دهه ۱۹۸۰ پدیدار شدند (Blakely Snyder, ۱۹۹۷).

این شکل از مجتمع‌های مخصوص محیط‌های اجتماعی و فیزیکی متمایزی را ایجاد می‌کند که بر آن تأثیر می‌گذارد. میزان دلبستگی ساکنین، جوامع مخصوص به دلیل اینمی و امنیتی که با استفاده از ابزارهای کنترلی، مانند دیوارها، نرده‌ها و ورودی‌های کنترل شده ایجاد می‌کند متمایز می‌شود. هدف این جوامع این است که از تغییرات سریع شهری دور نگه داشته شوند و در نتیجه ثبات مجموعه تضمین شود. محیط فیزیکی زیبایی شناختی به عنوان یک ارزش به افزایش دلبستگی در مجتمع‌های مخصوص کمک می‌کند. در سال ۱۹۹۹، تالن بیان کرد که محیط‌های فیزیکی رضایت بخش منجریه تقویت حس مکان محله می‌شوند. در حالی که مطالعه Low (۲۰۰۳) در مورد جوامع مخصوص نشان می‌دهد که روحیه جامعه ارتباط نزدیکی با انگیزه ساکنان برای محافظت از ارزش‌های محیط ساخته شده محله در برابر نفوذ را دارد. در مقابل، در مطالعات تجربی از سراسر جهان، جوامع مخصوص شده دارای اثرات اجتماعی «منفی» شناخته شده اند (Pow, ۲۰۱۵، ۴۶۵، ۲۰۱۵)۔ این اثرات منفی شامل: کاهش ارتباط همسایگی در نتیجه خصوصی گرایی و نگرانی حفظ حریم خصوصی در بین صاحبان خانه متتمرکز است. محققان استدلال کرده اند که کاهش تعاملات اجتماعی منجر به شکست یکپارچگی درونی و کاهش روحیه جامعه می‌شود (Guest, Wierzbicki, ۱۹۹۹؛ Putnam-Dugens, ۲۰۰۵؛ Wilson-Dugens, ۲۰۰۰)، با توسعه جوامع انسانی و تغییر شیوه زندگی و سکونت مردم، توجه معماران، طراحان و برنامه ریزان به کیفیت فضاهای و محیط‌های ساخته شده افزایش یافته و نقش طراحی به عنوان ابزاری برای شکل دادن به محیط زندگی و پاسخگویی به توقعات و نیازهای انسان اهمیت بیشتری یافته است و پژوهش‌های زیادی درباره چگونگی تأثیر متقابل محیط یا فضای ساخته شده بر ذهنیات رفتارهای انسان، انجام شده است. پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که محیط علاوه بر عناصر کالبدی شامل پیام‌ها، معانی و رمزهایی است که مردم بر اساس انگیزه‌ها، توقعات، نقش‌ها و دیگر عوامل آن را درک و رمزگشایی و در مورد آن به قضاوت می‌پردازند. این حسی که پس از قضاؤت و ادراک در فرد نسبت به محیطی خاص، به وجود می‌آید حس مکان می‌نماید که مهمنترین عامل در ارتباط شخص با محیط و باعث بهره‌برداری بهتر شخص از محیط، رضایت استفاده کنندگان و درنهایت احساس تعلق آن‌ها نسبت به محیط و تداوم حضور آن‌ها می‌شود (Falahat, ۱۳۸۵، ۵۸)۔ نوربرگ شولتز بیان می‌دارد: حس مکان در مکان‌های ظاهر می‌شود که شخصیت مشخص و بر جسته دارند (Schultz, ۱۹۹۷، ۳۳)۔ جغرافی دانان پدیدارشناسی، اصطلاح مکان دوستی را معادل با حس مکان بیان می‌کنند و آن را پیوندی پرمجبت و تأثیرگذار میان مکان‌ها و قرارگاه‌ها و مردم می‌دانند (Xu, ۲۰۰۱، ۱۲۳۲)۔ عمدۀ تحقیقاتی که در مجتمع داخلی و خارجی انجام شده محظوظ به جمعیتی تصادفی و یا دارای پراکندگی مکانی و اجتماعی است که جنس پیمایش را تصادفی می‌سازد. تاکنون تحقیقات به این مهم پرداخته‌اند؛ که کیفیت حس مکان در شهرک‌هایی که عمدتاً افراد دارای برنامه روزانه مشخص و اشتغالی همبسته با هم هستند؛ آیا از معیارهای سنجش حس مکانی مانند سایر نقاط شهر بهره می‌برد؟ در تحقیقات عمدتاً این مجموعه‌های مسکونی مخصوص را مجموعه‌های دروازه‌دار یا دیوارکشی شده می‌نامند که به نوعی اشاره به بسته بودن دسترسی‌ها به این سیرکولاسیون درونی آن است. به عنوان مثال (Wilson-Dugens, ۲۰۰۰)، با بررسی حس امنیت در مجموعه‌های مسکونی بسته نشان داد که نوع دیوارکشی این مجموعه‌ها می‌تواند در ابتدا از ورود مزاحمین جلوگیری کند یا نظارت عمومی را هدفمند سازد با این حال درنهایت باعث آسیب‌های روانی گردد. Lemanski، با بررسی جوامع مسکونی بسته در آفریقای جنوبی به دینامیسمی که در طی زمان بین افراد به وجود می‌آید اشاره می‌نماید که می‌تواند به ایجاد مشارکت

اجتماعی منجر شود. با این حال موقتی بودن سکونت، عامل عدم موفقیت برنامه‌های شهری در این مناطق شهری است (Lemanski, ۲۰۰۶). در مطالعات دیگر؛ منتظرالحججه، به ارزیابی و سنجش عوامل مؤثر بر ایجاد حس مکان در مراکز محله‌های شهری پرداخته‌اند. موضوع تحقیق ایشان سنجش تغییرات کالبدی است که به واسطه گرایش به فضاهایی با محوریت فضایی غربی، از خودبیگانگی را در بین ساکنین افزایش داده است (منتظرالحججه و دیگران، ۱۳۹۵). در تحقیق اکبری، به بررسی تأثیر کالبد فضاهای عمومی بر احساس امنیت اجتماعی زنان پرداخته‌اند. با این حال این تحقیق به جمعیتی مشخص در یک واحد همسایگی گستردۀ پرداخته است که با موضوع تحقیق حاضر تفاوت دارد (اکبری و دیگران، ۱۳۹۱). حسینی نیز به بررسی مؤلفه‌های سنجش کیفیت شهرک‌های مسکونی پرداخته‌اند که نزدیک‌ترین نمونه به تحقیق حاضر است (حسینی و دیگران، ۱۳۹۵). با این حال متغیرهای تحقیق یادشده به موضوع تحقیق حاضر که بررسی جمعیتی مشخص در واحد سکونتی افراد هم‌پیشه است؛ اشاره نشده است که این موضوع نقطه عطف این دو تحقیق محسوب می‌شود. هدف از این تحقیق سنجش میزان ادراک حس مکان توسط ساکنین شهرک-شرکت‌ها بوده و نمونه مطالعاتی شهرک کارکنان شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب ساکن است. در پیامیش اولیه از محیط مشاهده می‌شود که ساکنین در طی سال‌های اقامت موقت در شهرک، در زمینه فعالیت‌های اشتراکی فعال بوده و در تغییر سازمان فضایی معماری و نیز شهری اقداماتی را صورت می‌دهند. نیز تلاش ایشان در زمینه بهداشت محیطی و کاهش آلودگی‌های دیداری و ... نشان از دلیستگی ایشان به این مکان دارد. ازین‌رو پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سوالات ذیل خواهد بود: عوامل مؤثر بر حس مکان بر شهرک شرکت‌ها چیست؟ شاخص‌های اصلی حس مکان چه میزان بر حس تعلق به مکان ساکنین شهرک مؤثر است؟ در این پژوهش در ابتدا، به معرفی پیشینه و روش پژوهشی می‌پردازد، در ادامه، به سنجش حس مکان و عناصر آن در شهرک نفت پرداخته و محدوده مورد مطالعه محله شهرک نفت اهواز معرفی می‌شود. در انتها، نتیجه‌گیری پژوهش عنوان گردیده است.

## پیشینه پژوهش و مبانی نظری

پژوهش‌های بسیاری در ارتباط با حس مکان انجام‌شده بسیاری از تحقیقات اخیر در حوزه معماری و روانشناسی محیطی به مسئله حس مکان پرداخته‌اند که به‌طور کلی دسته‌ای از مقالات به شناسایی و معرفی عوامل تشکیل‌دهنده حس مکان پرداخته‌اند و دسته‌ای دیگر مقالات به طبقه‌بندی سطوح مختلف حس مکان معطوف شده است. که در ادامه به مهمترین‌های آن اشاره خواهد شد. در جدیدترین پژوهش لوماس بیان می‌دارد، تجزیه و تحلیل پدیدارشناختی برای کشف فرآیند دخیل در رفاه ذهنی ساکنان و حس مکان مورد استفاده قرار می‌گیرد. تجزیه و تحلیل پدیدارشناختی سه موضوع را ایجاد می‌کند: «احساس کنترل»، «روابط اجتماعی و اجتماع»، و «درک و تعاریف مکان». این موارد مسائل مربوط به سلامت جسمانی، اندیشه‌ای اجتماعی، انسجام جامعه، و همچنین پتانسیل فعالیت‌های بازاری را برای تعیین عناصر مختلف رابطه مردم و مکان برجسته می‌کند (Lomas, ۲۰۲۱). به اعتقاد بولی، محققان حس مکان باید توجه کامل در مورد چگونگی ارتباط مردم با مکان‌ها و مقاومیتی که این ارتباطات بر روی دیگر ساختارهای مهمندانه کیفیت زندگی، حمایت از گردشگری و تلاش‌های حفاظت مبتنی بر مکان یا رفتارهای محیطی فردی را دارند معطوف می‌کنند (Boley and et al, ۲۰۲۱). دسته‌ای از مقالات به معرفی تأثیراتی که مجموعه مسکونی محصور بر ساکنین این مجموعه‌ها می‌گذارد پرداخته‌اند. در جدیدترین پژوهش، آنکینسون معتقد است؛ که جوامع مسکونی محصور نیازهای مصرف کننده و اجتماعی را برآورده می‌کنند، تحقق این خواسته‌ها در نهایت گمراه کننده به نظر می‌رسد. با این وجود، به نظر می‌رسد که توسعه جوامع مسکونی محصور تا حد زیادی به گسترش نابرابری‌های اجتماعی و بی‌نظمی گستردۀ‌تر در جوامع اطراف این جزایر امنیتی بستگی دارد (Atkinson and et al, ۲۰۲۰). به نظر مکیند، نیازهای امنیت محله‌ها متفاوت است و مسیرهای ایجاد و بهبود امنیت عبارتند از: پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی صحیح، نظارت، توسعه پتانسیل‌های مالکیت خانه؛ تعامل اجتماعی و بهبود مقاومیت سرزمینی، نظارت، تصویر محیط (Makinde, ۲۰۲۰). به اعتقاد دانگه، تعامل اجتماعی یک اولویت برای بهبود جوامع محصور است و برای این کار فضای محله و مبلمان خیابان را می‌توان با توجه به در دسترس بودن منابع افزایش داد. برای جوامع غیر محصور، به برنامه ریزان توصیه می‌کنیم که امکانات فضایی باز، سایبان و سرپناه و فضای باز را بهبود بخشدند (Dong, ۲۰۱۹، ۲۴۶). آردوین، حس مکان را مجموعه‌ای از ارتباط شناختی و عاطفی و ارتباطات ارزیابی شده مردم با جامعه و اجتماع زیست‌محیطی را به صورت مجموعه‌ای از سازوکارها شرح می‌دهد (Ardooin, ۲۰۱۹). از طریق اقداماتی نظیر استفاده از عناصر هویت بخش، کنترل محصوریت، حضور عوامل طبیعی و ایجاد دید و منظر در فضاهای عمومی واسطه‌های مسکونی مناسب می‌تواند حس تعلق به مکان را به ساکنین محلات قدیمی بازگرداند. (صدریان، ۱۳۹۳). مشکی‌نی معتقد است هر چه مدت سکونت، میزان خدمات شهری، امنیت محل و فعالیت‌های اجتماعی و جمعی ساکنان بیشتر گردد، حس تعلق مکانی ساکنان شهر جدید، افزایش می‌یابد (مشکی‌نی، ۱۳۹۳). ملکی بیان می‌دارد میزان حس تعلق به مکان به میزان

خصوصیات کالبدی، احساس امنیت در آن مکان، تأثیرات آن مکان بر برداشت‌های ذهنی و ماندگاری این تصورات بستگی دارد. (ملکی، ۱۳۹۳). نتایج، مشخص شد که هر سه عامل عینی، ذهنی و رفتاری به طور هم‌طراز و حدوداً یک‌سوم مقولات تشکیل‌دهنده عوامل حس مکان در ارتقاء کیفیت محیط زندگی و تحقق رضایتمندی سکونتی را در برمی‌گیرند (طاهر طلوع دل، مهدی نژاد، سادات، ۱۳۹۹، ۱۶۵). تایب پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه‌های کالبدی اعم از «انسجام و وحدت»، «محرومیت»، «مدیریت تسهیلات و نظارت»، «عناصر طبیعی و سبز»، «غنای بصری» و «قابلیت جهت‌یابی و خوانایی» به ترتیب اولویت، بیشترین تأثیرگذاری را بر حس دلبستگی به مکان دارند. بنابراین طراح به عنوان خالق فضا با انتخاب مقیاس و چیدمان بلوك‌ها توأم با طراحی ساختار فضاها منجر به تغییر در میزان حس دلبستگی افراد ساکن در آینده می‌شود. (رحیمی، انصاری، بمانیان، مهدوی نژاد، ۱۳۹۹، ۱۵). هیچ کدام از پژوهش‌های پیشین حس مکان را در مجموع بسته همچون شهرک شرکت‌ها بررسی نکرده‌اند. از این‌رو رویکرد پژوهش حاضر شناخت عوامل مؤثر در شهرک‌شرکت‌ها است که باعث ارتقاء حس دلبستگی به مکان در ساکنین می‌شود. تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های گذشته، جستجو در استخراج شدت تأثیر و اولویت‌بندی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر دلبستگی به مکان به طور خاص در شهرک شرکت‌ها است. جدول شماره ۱ دیدگاه صاحب‌نظران در مورد حس مکان را نشان می‌دهد.

**مجتمع‌های مسکونی محصور:** پس از جنگ جهانی دوم، محله‌های شهر شروع به تغییر کردند، طراحان شهری خیابان‌ها منحنی و بن‌بست ایجاد کردند. این محله‌های جدید از مکان‌هایی که مردم در آن کار، خرید و بازی می‌کردند فاصله داشتند، ساکنان به ماشین وابسته شدند. این محله‌های حومه شهر در نیمه دوم قرن بیستم به شکل غالب محله تبدیل شدند. بنابراین تغییر محله در طول زمان، یکی از رویکردهای جدید به محله‌ها، مجموعه مسکونی محصور است. که به عنوان «محله‌های محصور» (Grant, Mittelsteadt، ۲۰۰۴)، «جوامع محصور» (Landman، ۲۰۰۰) و نیز «شهرهای خصوصی»، «شهرهای حاشیه»، «شهر دیوارها» (Almatarneh، ۲۰۱۲) نیز شناخته می‌شوند. جوامع محصور مبتنی بر ایجاد جوامع مستقل با هویت مجزا که به دقت ساخته شده‌اند. همچنین به دلیل تنوع و تعدد آنها به طور فرازینه‌ای به یک روند اصلی در بازار مسکن در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه تبدیل شده‌اند. با وجود محبوسیت و به دلیل گسترش آنها، تعریف دقیقی برای آن وجود ندارد (Landman, Mittelstad، ۲۰۰۸، Grant، ۲۰۰۴). جوامع مسکونی محصور را می‌توان بدین صورت خلاصه کرد: «یک محله محدود اجتماعی-فضایی، در جامعه خرد است که واحدهای مسکونی بزرگتر را به واحدهای کوچک با ویژگی‌های خاصی تجزیه می‌کند. تمرکز طرح بر تسهیلات و کاربری، نوع تک واحد مسکونی، که عمدهاً به امکانات محله بستگی دارد که ممکن است این امکانات محدود باشد و در نهایت با ویژگی زندگی شهری، تحرک، تنوع، انتخاب‌ها و ارتباط اجتماعی با محله‌های بزرگ‌تر ناسازگار است.» با این تعریف، ویژگی‌های اجتماعی-فضایی آن را می‌توان بدین صورت بیان کرد:

اول: دیوارها، موانع فیزیکی در اطراف جوامع مسکونی محصور چندین کارکرد را انجام می‌دهند، برای آنها محدودیت بصری ایجاد می‌کنند، منجر به ایجاد حریم خصوصی می‌شوند. دسترسی را محدود می‌کنند.

دوم: الگوهای ارتباط خیابان‌های جوامع محصور، معمولاً به سمت داخل محله هستند.

سوم: الگوی کاربری اراضی، کاربری‌های مختلط به ندرت در جوامع محصور که بر تک کاربری اراضی که عمدهاً مسکونی هستند تکیه دارند. چهارم: الگوی تیپ مسکن، سازندگان همواره به دنبال تفکیک انواع مسکن از یکدیگر هستند تا خدمات، امکانات رفاهی و نگهداری و استانداردهایی که افرادی که از لحاظ اجتماعی و مالی یکسانی دارند را کنترل کنند (Ghonimi and et al، ۲۰۱۳).

ویژگی‌های جوامع محصور از کشوری به کشور دیگر با توجه به ویژگی‌های هر کشور مختلف و متفاوت است. چندین مطالعه توافق کردنده که گسترش جهانی جوامع محصور توسط ایالات متحده ایجاد شده است، محققان یک نمای کلی سیستماتیک از ویژگی‌های فیزیکی جوامع محصور ارائه می‌دهند که نشان می‌دهد که جوامع محصور تنوع زیادی در ویژگی‌های اجتماعی و کالبدی از خود نشان می‌دهند، بنابراین نمی‌توان آن را به عنوان مجموعه واحدی از اشکال شهری در نظر گرفت (Grant, Mittelstad، ۲۰۰۴). یکی از محبوب‌ترین طبقه‌بندی‌های عمومی جوامع دروازه‌دار توسط Blakely, Snyder (۲۰۱۳) تعریف شده است که با مطالعه جوامع دروازه‌دار ایالات متحده، گونه‌شناسی مبتنی بر عملکرد را گسترش دادند. در این گونه‌شناسی سه نوع از جوامع دروازه‌دار شناسایی می‌شوند: سبک زندگی، اعتبار و جوامع دارای منطقه امنیتی. و نه دسته از این انواع را توسعه داد: سبک زندگی جوامع که بر امکانات تفریحی و فعالیت‌های اوقات فراغت، امکانات و خدمات مشترک تمرکز دارد، شامل شهرک‌های بازنیستگان، شهرهای جدید حومه‌ای است. اعتبار جوامع؛ به عنوان نمادهای ثروت و موقعیت برای ساکنان عمل می‌کند، که تمرکز بر احصار در جامعه دارد که شامل جوامع ثروتمند و مشهور می‌شود، جوامع برتر پنجم، جوامع اجرایی برای طبقه متوسط است. جوامع دارای منطقه امنیتی؛ ترس از بیگانگان را منعکس می‌کند، این ترس توسط ساکنان آنها، به دلیل ترس از جرم و جنایت و افراد خارجی شکل گرفته است. این دسته شامل شهر، حومه شهر است. اینها را «قرارگاه» می‌نامند زیرا دروازه‌ها توسط ساکنان

ساخته می‌شوند. این تنها گونه شناسی نیست، بلکه هر محققی با در نظر گرفتن علل، پیامدها و پیامدهای مهم جوامع دردار، گونه‌شناسی خود را تعریف کرده است (Landman، ۲۰۰۰).

**مفهوم حس مکان:** مفهوم مکان در تقابل با مفهوم فضای انتزاعی شکل گرفته است. شولتز می‌نویسد: هستی فضا از مکان است نه از خود فضا. لذا طراحی فضا وابسته است به شناخت ما از مکان و آنچه حس مکان نامیده می‌شود (مدیری، ۱۳۸۷، ص ۷۰). حس مکان به معنی احساس و درک ذهنی که ویش آگاهانه مردم نسبت به محیط پیرامون آن‌ها است که باعث می‌شود شخص در ارتباطی درونی با محیط قرار گیرد، به طوری که احساس و فهم انسان با بستر معنایی محیط یکپارچه و پیوند می‌خورد. این حس عاملی است که منجرب می‌شود که یک فضا به مکانی با خصوصیات رفتاری و حسی ویژه برای افراد خاص تبدیل گردد. از نگاه پدیدارشناسان حس مکان به معنای فعالیت‌های روزمره و درک نمادها به‌واسطه مرتبط شدن با مکان است (Relphe، ۱۹۸۶)، ارزش‌های فردی و جمعی بر حس مکان تأثیر می‌گذارد و حس مکان نیز بر نگرش‌ها و ارزش‌ها و بهویژه رفتار شخصی و اجتماعی اشخاص در مکان مؤثر است. افراد معمولاً با توجه به چگونگی حس مکانشان در فعالیت‌های اجتماعی شرکت می‌کنند (Canter، ۱۹۷۱). رابطه با مکان را به صورت‌های زندگی‌نامه‌ای، معنوی، عقیدتی، روایتی، مادی و وابستگی اجرایی تقسیب‌بندی می‌شود که با عواملی مانند رضایتمند، هویت، درونیت پنج تراز مختلف از حس مکان را ایجاد می‌کنند (Cross، ۲۰۰۱). حس مکان هم باعث هماهنگی بین فرد و کارکرد مناسب فضای معماری است و هم عاملی برای احساس، لذت، امنیت ادراک عاطفی اشخاص نیز هست و به هویتمندی افراد و حس تعلق به مکان آن‌ها کمک می‌کند. به عقیده رلف مکان از ترکیب فعالیت‌ها، عملکردها، اشیاء طبیعی و انسان ساخت و معانی ایجاد می‌شود (فالاحت، ۱۳۸۵، ص ۵۸). حس مکان از دیدگاه روان‌شناسی محیطی به هر آنچه در پیرامون وجود دارد و به صورت بالقوه با فرد در ارتباط قرار می‌گیرد، اطلاق می‌شود. هرچند که فرد امکان دریافت تمامی اطلاعات موجود را نداشته باشد. محیط تمامی اطلاعاتی است که از پیرامون ما ارسال می‌گرددند (پور جعفر، ۱۳۸۷، ص ۹۸). از مهم‌ترین مباحث مطرح درباره حس مکان، تعلق مکان است بدین معنا، که مردم خود را به‌واسطه محیطی که در آن متولد و رشد یافته‌اند، تعريف می‌کنند. این ارتباط که به‌طورکلی حس مکان می‌نامند. که بر مردم به گونه‌ای ماندگار و عمیق تأثیر می‌گذارد و هویت، خاطره مکان و قدرت انسان را تقویت می‌نماید. درواقع احساس دلستگی و تعلق به مکان سطح بالاتری از حس مکان است که، عقاید فرهنگی در ارتباط با افراد به مکان را نیز شامل می‌شود. (فالاحت، ۱۳۸۴، ص ۳۷). عوامل شکل‌دهنده حس مکان به دو دسته عوامل شناختی-ادرانکی و کالبدی تقسیم کرده و بیان می‌کند محیط علاوه بر عناصر کالبدی، شامل پیامها، معانی و رمزهایی است که مردم بر اساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل، آن را رمزگشایی و درک می‌کنند و در مورد آن به قضاؤت می‌پردازند. حسی که پس از ادراک و قضاؤت نسبت به محیط در فرد به وجود می‌آید حس مکان نامیده می‌شود (Rapaport، ۱۹۹۰). حس مکان، ارتباطات پیچیده و چند بعدی را که مردم با مکان‌ها دارند را توصیف می‌کند (Ardoin، ۲۰۱۴). محققین حس مکان را شامل دو ساختار اصلی می‌دانند: مفهوم مکان و دلستگی به مکان که در آن معانی شناختی هستند که از تداعی‌های نمادین از مکان‌ها مشتق شده‌اند (Stedman، ۲۰۰۲). دلستگی‌هایی مؤثر هستند که پیوند فرد/مکان را منعکس کنند. (Masterson and al ۲۰۱۶، ۲۰۱۷، et al ۲۰۱۹). بسیاری از محققین مفهوم فراغیر حس مکان را به عنوان ترکیب، در گستره‌ده ترین سطح، عناصر اجتماعی فرهنگی و بیوفیزیکی مکان تصور می‌کنند: حوزه‌های انسان شناسی و جامعه شناسی بر موارد ذکر شده تأکید دارند (Turntleman، ۲۰۰۹). اغلب در مناطق غیر شهری و زمینه‌های تفریحی، بحث بر سر نقشی که جنبه‌های کالبدی (به عنوان مثال، زیست‌شناختی، محیطی ساخته شده توسط انسان) و محیط پیرامون با توجه به اینکه حس مکان بازی می‌کنند، تشید می‌شود (Kil and et al، ۲۰۱۲). در حالی که (and et al ۲۰۱۲) و (Lewicka، ۲۰۱۴) بحث‌های گستره‌ای در مورد جنبه‌های نظری و روش شناختی دلستگی به مکان ارائه کرده‌اند. برخی از محققان از دو بعد دلستگی به مکان استفاده می‌کنند که شامل هویت مکان (یعنی معانی نمادین مکان) و وابستگی به مکان (یعنی ارزیابی عملکردی مکان) می‌شود (به عنوان مثال Hern'andez، ۲۰۱۸، Hsueh، ۲۰۱۸، Decker, Gargnon, ۲۰۱۸، Larson, cooper, Stedman, ۲۰۱۸). اخیراً، تعريف جامعی از دلستگی به مکان ارائه شده است و دلستگی به مکان را به عنوان یک ساختار چهاربعدی با هویت مکان، وابستگی به مکان، پیوند اجتماعی مکان (یعنی احساس تعلق یا عضویت به گروهی از افراد در یک مکان) می‌داند. مکان عاطفه (یعنی احساسات فرد یا "عشق" نسبت به یک مکان (Ramkissoon, Mavondo، ۲۰۱۵).

### عوامل شکل‌دهنده حس مکان

با توجه به مفهوم حس مکان در دیدگاه‌های مختلف و سطوح مختلف حس مکان، عوامل شکل‌دهنده حس مکان را می‌توان در سه گروه عوامل ادرانکی و شناختی (فرامعماری)، فعالیتها و تعاملات اجتماعی، عوامل کالبدی (خصوصی)، عوامل کالبدی (همگانی) تقسیم کرد (جدول ۱). به صورت زیر بیان کرد:

## جدول ۱- عوامل شکل دهنده حس مکان

حس مکان مستلزم ارتباطات عاطفی مشبّتی است که افراد با مکان‌های خاصی مانند محل سکونت خود یا سایر محیط‌های مهم دارند.	، ۲۰۱۱، Lewicka Scannell, Gifford ۲۰۱۷،
شامل یک پیوند واقعی و عاطفی با محیطی است که نیاز اساسی انسان را برآورده می‌کند.	، Scannell, Gifford ۳: ۲۰۱۰
و توسط تعامل بین احساسات، دانش، باورها، رفتارها و اعمال در ارتباط با یک مکان تعیین می‌شود.	، Proshansky and et al ۱۹۸۳
دلبستگی مکانی هم در سطح فردی و هم در سطح گروهی رخ می‌دهد و عمدها تحت تأثیر سن و ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی قرار می‌گیرد.	Giuliani & Scopelliti ۴: ۲۰۰۹، Scannell, Gifford ۲۰۱۷،
حس مکان‌ها در افراد مختلف به تجارت‌های گذشته و شخصیت آن‌ها در دریافت این حس مؤثر است.	(۱۹۹۱)، Shamai
حس مکان را شامل تعلق به حس محلی و اجتماع تعریف کرده است. از نظر حس مکان ادراک شخصی مردم از محیط پرامون خود و احساسات کم‌ویس آگاهانه آن‌ها به محیط است	(۱۹۹۲)، Human
حس مکان هر محیط بستگی به نحوه ارتباط افراد با محیط دارد از نظر او رابطه تعاملی بین انسان و مکان است. تصویر مکان هم کالبدی، روانی یا تعاملی است.	Steele 1981
قدرت دلبستگی مکانی در درون و بین جمیعت‌های محلی با توجه به ویژگی‌های شخصی تفاوت‌های وجود دارد و ممکن است دلایل یا مکانیسم‌های مختلفی وجود داشته باشد که توسط آن دلبستگی مکانی ایجاد می‌شود.	Van Veelen, Haggett) (۲۰۱۶،
ریشه داشتن در یک جامعه معمولاً به عنوان یک پیش‌بینی کننده حس مکان مورد بحث قرار می‌گیرد، برخی از محققان مدت اقامت را با قدرت حس مکان برابر می‌دانند.	(۲۰۰۵)، Lewicka)
دلبستگی به مکان یا حس مکان، پیوند شناختی و عاطفی بین افراد و مکان‌ها است.	(تاریخ ۱۹۷۷، Scannell، ۲۰۱۰، Gifford (۲۰۱۱)، Lewicka
این پیوند مردم-مکان از تعامل افراد با یک مکان و تعاملات اجتماعی آنها که در آن مکان رخ می‌دهد پدیدار می‌شود.	، Scannell, Gifford (۲۰۱۴)
در تحقیقات خود بر تأثیر عوامل کالبدی تأکید می‌نمایند، اما اشاره داشته‌اند که در اصل سمبول‌های محیطی و نمادهای مشترک اجتماعی از یک طرف و از طرف دیگر قابلیت‌های محیطی در تأمین و گسترش این بعد از نیازهای انسانی منجر به شود محیط کالبدی را به عنوان بستر تعامل اجتماعی شود.	Rapaport، Proshansky، Riger, S., & Lavrakas ۱۹۸۱
در این مرتبه از حس تعلق، محیط به عنوان بستر فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی است که اشخاص، عناصر کالبدی را از طریق ادراک و نظام ساختار شناختی خودکشی، تغییر و تفسیر می‌کنند و در اصطلاح انسان‌ها به صورت جمعی از محیط رمزگشایی می‌کنند.	(فروزنده، ۳: ۱۳۹۰، ۳: ۱۳۹۰)
حس مکان از طریق استحکام پیوندهایی که افراد با جنبه‌های مختلف اجتماعی، فیزیکی و عملکردی مکان دارند، ایجاد می‌شود. جنبه‌های اجتماعی مکان ممکن است شامل روابط مسکونی و خانوادگی باشد	(۲۰۱۱)، Lewicka)
تاریخچه‌های خانوادگی و نسلی	Stockdale and ۲۰۲۰ Ferguson,
یا فراوانی و گستردگی ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی در یک مکان.	، Gieling and et al (۲۰۱۷)
حس مکان همچنین می‌تواند از طریق علاقه به ویژگی‌های کالبدی یا محیطی یک مکان ایجاد و تشدید شود	، Devine Wright) (۲۰۲۰
از طریق استفاده عملکردی، مانند اتکا و واستگی به بازار کار یا ویژگی‌های یک مکان باشد. از اهداف یا فعالیت‌های فردی حمایت کنید.	، Lin, Lockwood ۴: ۲۰۱۴ Gieling and et (۲۰۱۷)، al
تحت تأثیر عواملی مانند ویژگی‌های محل سکونت، از جمله محل تولد، مدت اقامت، عاطفه، شناخت و رفتار است.	، Lewicka) (۲۰۱۱، Scannell, Gifford ۴: ۲۰۱۸، Smithe ۲۰۱۰ Song (۲۰۱۹)، Soopramanien

<p>افرادی که وابستگی قوی به مکان دارند، تمایل به افزایش احساس تعلق و عزت نفس دارند.</p>	، Devine Wright) Scannell, ۲۰۲۰ (۲۰۱۰ ، Gifford
<p>دو عامل وجود دارد که می‌تواند بر انتخاب ساکنان برای انتخاب محله تأثیر بگذارد: اول، عوامل درونی که سه عامل هستند: عامل جمعیتی که به معنای؛ جنسیت، سن، وضعیت تأهل، تعداد اعضای خانواده، مدت زمان سکونت، سطح تحصیلات، قومیت و مذهب ساکنان. عامل اجتماعی-اقتصادی که به معنای درآمد خانوار و سبک زندگی او و عامل فرهنگی است. دوم عوامل بیرونی است که عبارتند از؛ موقعیت، محل سکونت و در نهایت شرایط محله. همه این عوامل با نسبت های متفاوتی بر ترجیحات ساکنین تأثیر گذارند. این عوامل را می‌توان در مورد جوامع محصور نشان داد که در آن هر یک از این عوامل به گونه‌ای متفاوت بر افراد تأثیر می‌گذارد.</p>	Hapsariniaty and et ) (۲۰۱۳، al
<p>مهم ترین عوامل کالبدی مؤثر در ادراک و حس مکان، تضاد، مقایس، اندازه مکان، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، درجه محصوریت، بو، صدا و تنوع بصری، بافت، رنگ، است. او همچنین خصوصیاتی نظریه‌های توهم و تخیل، تاریخ‌لذت، راز و رمز، امنیت، سرزندگی، شور و خاطره را باعث ایجاد برقراری ارتباط متهرک با مکان می‌داند.</p>	(۱۹۸۱، Steele)
<p>از نظر سال‌الاسن حس مکان شامل: شخصیت کالبدی، اصالت، ساکنین و وسائل رفاهی، مالکیت، طبیعت مانند آب، گیاهان، آسمان، خورشید و فضاهای جمعی و خصوصی؛ هستند که مکان را تشکیل می‌دهند و بر خلق حس مکان مؤثرند.</p>	(۲۰۰۱، Salvassen )
<p>از نظر او شخصیت کالبدی، اصالت، ساکنین و وسائل رفاهی، طبیعت مانند گیاهان، آب، آسمان، و فضاهای خصوصی و جمعی؛ اجزای تشکیل دهنده مکان هستند، که در خلق حس مکان تأثیر دارند. از نظریان زو ساختارهای معنایی فضا و محیط ساخته شده برای ایجاد مجموعه‌هایی از کیفیات خاص و به وجود آمدن حس مکان نقش دارند.</p>	(۱۹۹۵، Yan Xu)
<p>حس مکان در مکان‌هایی است که دارای شخصیت مشخص و متمایز محیطی هستند که دارای بافت، مصالح، شکل، و رنگ است.</p>	Schulz
<p>حس تعلق را به سه عامل اصلی تأثیرپذیر تقدیم می‌کند: نحوه تصرف، گونه ساختمان، تکنولوژی.</p>	(۱۹۴۵، Bentely) (۲۹۳
<p>علوم بودن حدود شهرک با حریم سبز با کاشتن درختان در نزدیک دیوار که باعث محرومیت بصری و زیبایی می‌شود، وجود عوامل جذاب در سطح شهرک برای حضور ساکنین مانند: وجود محل‌های نشستن و توقف ایستاده به صورت جمی یا فردی در تمام سطح شهرک باشند و یا تلفیق آسان عرصه‌های عمومی و خصوصی به کمک فضاهای نیمه عمومی و نیمه‌خصوصی که ساکنان را در حفاظت از حریم خصوصی‌شان یاری می‌کند. انعطاف‌پذیری محیط برای افرادی که بتوانند محیط را مطابق خواسته خود تغییر دهند و در آن دخل تصرف کنند چون تغییر می‌لمان شهرک یا تجهیز وقت فضا با می‌لمان موردنیاز ساکنین است یا دخل و تصرف و تغییر در فضای عمومی و تجهیز آن برای مراسم‌های خاص است. عامل دیگر ایجاد و نگهداری عناصر گیاهی در عرصه نیمه‌خصوصی و نیمه‌ عمومی توسط ساکنین است.</p>	(فاسی اصفهانی، ۱۳۸۳، ص (۱۴۵
<p>این عوامل عبارت‌اند از امنیت که دارای زیرمجموعه‌های حفظ تقویت عوامل خاطره‌انگیز، معلوم بودن حدود و محرومیت شهرک، برخود ساکنین با فضای شهرک است.</p>	Bentley and et al,1945
<p>کلمه "دوازه‌دار" برای افراد مختلف به معنای چیزهای متفاوت است، برخی از مردم دروازه‌ای را انحصاری می‌دانند، برخی آن را امنیت می‌دانند، اما بیشتر به حریم خصوصی فکر می‌کنند.</p>	Grant,Mittelsteadt) (۲۰۰۴،
<p>جوامع محصور، ساکنی را جذب می‌کنند که در جستجوی یک محل مسکونی حفاظت شده با برنامه‌ای برای ایجاد حس فاصله، فیلتر کردن، اما با تمایل به دیده شدن هستند.</p>	۲۰۰۶ Denis
<p>برای صاحبان ملک در جوامع محصور، این امر با حفاظت از خانه هایشان ارتباط زیادی دارد، زیرا این دروازه‌ها می‌توانند به معنای ثبات بیشتر در حفاظت از دارایی هایشان باشد.</p>	Ghonimi and et al) (۲۰۱۰
<p>بسیاری از مطالعات در ادبیات جوامع محصور معتقد اند که امنیت عامل اصلی جذاب جوامع محصور است، این می‌تواند بخصوص در شهرهای با امنیت پایین باشد.</p>	(۲۰۱۸، Salah)

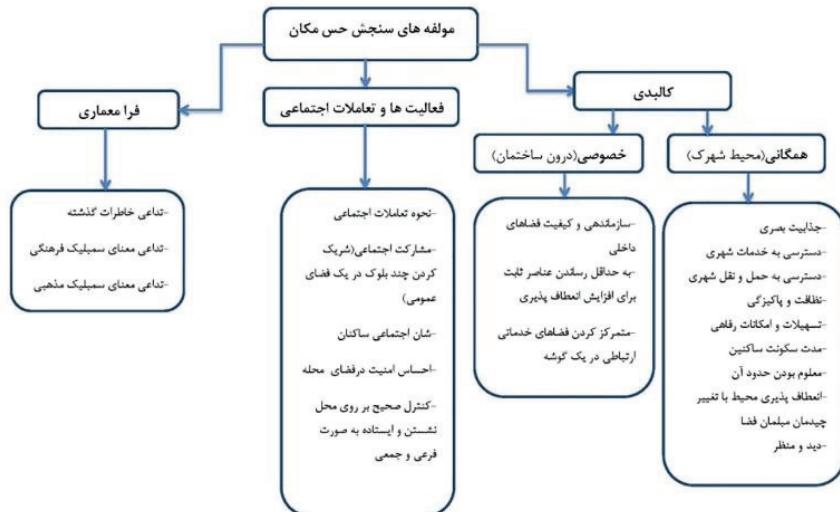
عوامل جذب جوامع محصور شامل: عامل امنیت و ایمنی، کنترل اجتماعی و گروه بندی یک گروه اجتماعی خاص از سایر مردم، حریم خصوصی، اعتبار و انتصار، خدمات و امکانات، احساس اجتماعی، کیفیت زندگی، حفاظت از ارزش اموال. وی افزود: هر یک از عوامل جذب کننده در جوامع مسکونی محصور با اعمال ویژگی های خاصی حاصل می شود که می تواند شامل: دروازه ها، طراحی دیوارهایی باشد که برخی می خواهند از دیوار دیده شوند و برخی به عنوان وسیله ای امنیتی، نگهبان نیاز دارند و امنیت، فعالیت ها و امکانات، طراحی و منظر شهری، انواع مسکن و الگوی آن، مقیاس، مکان و ترافیک، در نهایت ارزش ملک و فروش مجدد آن.

عوامل کالبدی و فعالیتی مانند پاتوق ها، بازارچه کوچک و تک درخت در میدان و یا زمین ورزشی که محل های گردشگری و فعالیت جمعی و خاطره انگیز برای ساکنان آن است که باید به حفظ و تقویت آن مبادرت ورزید.

عناصر فیزیکی در داخل یک فضای شامل سطوح مبلمان عناصر کانونی و انعطاف پذیری آن ها هستند. استفاده از آستانه به عنوان یک حوزه کالبدی جهت نمایش ارزش های خاص فردی یا گروهی. با ایجاد باغچه اهتمام ورزید یا می توان با استفاده از واحدهای کوچک کفسازی کنار ساختمان ها، به سادگی عرصه هایی را برای کاشتن گیاه برگرفت. دوطرفه در ورودی فضای خالی دیوار را برای نصب ملحقات احتمالی نظیر: پیچک ها قرارداد. ایوان ها و تراس ها به طور بالقوه مکان مناسبی را برای نمایش اشیا هستند. پنجره ها، عامل ارتباط کالبدی بین درون و بیرون محسوب می شوند؛ که سه امکان را عرضه می دارند: به نمایش درآوردن اشیا از طریق پنجره است، استفاده از مواد مستحکم و رطوبت ناپذیر برای کف پنجره ها نیاز است و همچنین باید به اندازه کافی عریض باشد تا گلدان و اشیا دیگر روی آنجا بگیرند.

منظور از ، انعطاف پذیری فضایی و ساماندهی فضای انسان ساخت و تغییر در آن برای دستیابی به شرایط، نیازها و کاربری های جدید است. عموماً سه گونه ساماندهی قابل تشخیص است؛ فضای ثابت، فضای نیمه ثابت و فضای متغیر . بر این اساس فضای ثابت و احدها از قبیل دیوارهای باربر، کف ها، پنجره ها و غیره تشکیل می شود که با سیستم سازه ساختمان در ارتباط است. فضای نیمه ثابت، فضایی است که با تغییر چیدمان مبلمان و وسایل اتاق قابل تغییر است. فضای متغیر زمانی به وجود می آید که دو نفر یا بیشتر در فضای داخلی بنا به عنوان بهره بردار با یکدیگر ارتباط داشته باشند، امری قابل ادراک و مرتبط با عملکرد نهفته آن فضای خاص است. برای این کار می بایست عناصر ثابت مانند دیوارها در اتاق به حداقل خود برسند.

از تحلیل و مقایسه موارد ذکر شده در ابتدا لازم است تا معیارها دسته بندی شوند بنابراین در ابتدا معیارهای تعیین شده همان طور که در ادبیات پژوهش اشاره شد پژوهش حاضر همسو با نظریات راپپورت، استیل، شامای سالواسن، پانتر مؤلفه های سنجش حس مکان به سه دسته کالبدی، فعالیت های اجتماعی و فرا معماری تقسیم کرد. عوامل کالبدی خود به دو زیرمجموعه: همگانی (محیط شهرک) و خصوصی (دروز ساختمان) تقسیم نمود. عوامل کالبدی خود به دو زیرمجموعه: همگانی به معنای ایجاد رنگ تعلق در سطوح خارجی مرزهای کالبدی به معنی محیط شهرک است که شامل ۱۰ معیار اصلی در این زمینه که شامل جاذبهای بصری، دسترسی به خدمات شهری، دسترسی به حمل و نقل شهری، نظافت و پاکیزگی، امکانات و تسهیلات رفاهی، مدت سکونت ساکنین، معلوم بودن حدود آن، انعطاف پذیری محیط، دید و منظر است و کالبد خصوصی که درون ساختمان واحدهای مسکونی می باشد عناصر فیزیکی پشتیبانی کننده از رنگ تعلق در داخل یک فضا است که شامل فضای داخل واحدهای مسکونی و متمرکز کردن عناصر ثابت در یک منطقه برای افزایش انعطاف پذیری واحدهای مسکونی برای تغییر شکل واحد مطابق با نیاز ساکنین شهرک مسکونی و متمرکز کردن فضاهای ارتباطی و خدماتی در یک گوشه تقسیم می شود. تمایل داشتن به ارتباط و فعالیت های اجتماعی در فضای شهرک از طریق ایجاد فضاهایی برای مشارکت و ارتباط اجتماعی بیشتر با دیگر ساکنین شهرک ایجاد حس امنیت در فضای شهرک مسکونی، ایجاد فضاهایی برای نشستن به صورت فردی و جمعی است فرامعماري که مستلزم ارتباطات عاطفی مثبتی است که افراد با مکان های خاصی مانند محل سکونت خود یا سایر محیط های مهم که شامل فضاهای فرهنگی، اجتماعی مذهبی است ایجاد می شود این امر باعث ایجاد خاطره انگیزی در افراد می شود که در نمودار شماره ۱ مدل حس مکان به تفسیر آمده است.



نمودار ۱- مدل حس مکان

## معرفی محدوده مورد مطالعه

شهرک های شرکتی یا شرکت شهرها به مجموعه های مسکونی اطلاق می شود که " معمولاً در تملک یک شرکت (دولتی یا خصوصی) بوده و توسط آن طراحی، سرمایه گذاری، نگهداری و مدیریت می شوند " (مجتبه داده، ۱۳۸۸، ۱۴۹۰). اولین تجربه شرکت - شهرسازی در ایران متعلق به شرکت نفت ایران و انگلیس در خوزستان است، که در شهرهای آبادان، اهواز، مسجدسلیمان، آگاجری، امیدیه و... اجرا گردید. محل احداث این شهرک ها صرفاً برای نیازهای صنعت نفت در نظر گرفته شده بود. در اهواز نیز شهرک های اولیه شرکتی تابع چنین نیازی شکل گرفت. این مجموعه ها معمولاً دو هدف عمده را دنبال می کنند که اول اسکان نیروی کار است و دوم تربیت، نظارت، مهار و بهطور کلی اجتماعی کردن این نیرو مطابق با نیازهای شرکت. الگوی سکونت در این شرکت شهرها، عمدتاً بر اساس تقسیم بندی موقعیت شغلی است و شامل خانه های کارگری، کارمندی و ولادهای مدیریتی است که بعضاً " بنگله " خوانده می شوند (احسانی، کاوه، ۱۳۷۸، ص ۱۹).



تصویر ۱- محدوده مورد مطالعه

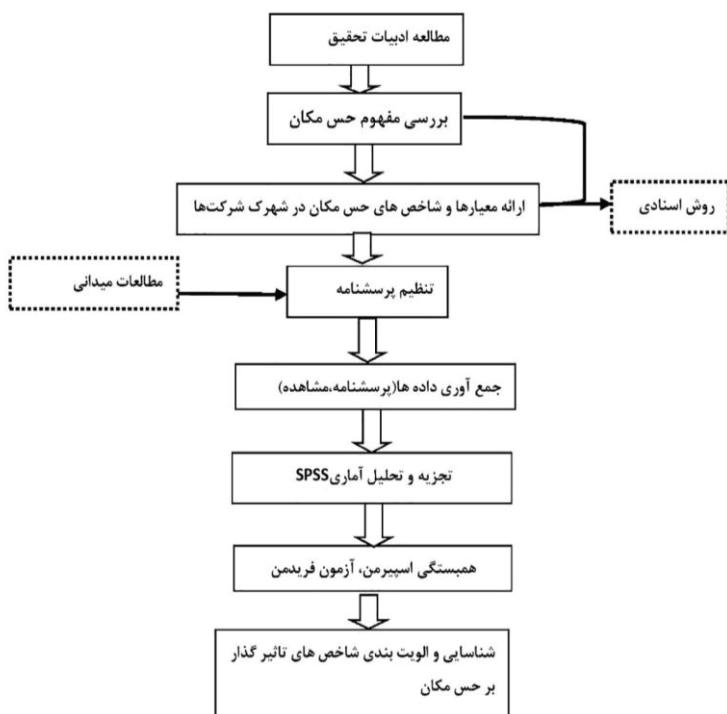
ماخذ: [www.opengee.org](http://www.opengee.org)

امروزه، روند توسعه مسکن غالب به صورت جوامع مسکونی محصور است. این روند یکی از گسترده ترین الگوهای توسعه در سه ماهه پایانی قرن بیستم بوده است. جوامع مسکونی محصور در سراسر جهان و همچنین در ایران با اندازه های مختلف ساخته می شوند و از کشوری به کشور دیگر، شهری به شهر دیگر و انواع متفاوتی دارند. تا به امروز، صدها اجتماع مسکونی محصور وجود دارد که در سراسر جهان توسعه یافته اند. شهرک نفت به دلیل اینکه یکی از بزرگترین شهرک های مسکونی محصور واقع در استان خوزستان و ایران می باشد. به عنوان محدوده هی مطالعاتی انتخاب گردید. شهرک نفت یکی از محلات شهر اهواز است. که کارکنان شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب ساکن هستند. اکثر ساکنین آن از شهر اهواز هستند ولی به دلیل صنعتی بودن مهاجرین از سایر نقاط کشور نیز دارد. محدوده مورد مطالعه در جنوب فرودگاه بین المللی اهواز و شرق زیتون واقع شده است. این شهرک با طراحی ویژه ای که از لحاظ نقشه شده است یکی از بهترین نمونه های

شهرک مسکونی در ایران به شمار می‌رود. این محله دارای چندین بازارچه، یک مسجد، یک حسینیه و یک مجتمع تفریحی فرهنگی ورزش کامل هست. در حال حاضر این شهرک از ۷ فاز تشکیل شده است. که خانه‌های آن به سه بخش آپارتمان‌ها (G Type) منازل سه خواب (C Type) و منازل چهار خواب (B Type) تقسیم می‌شوند که بر اساس امتیازات شغلی کارکنان و سمت‌هایشان این منازل به آن‌ها تحويل داده می‌شود. تصویر ۱، محدوده مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

## روش تحقیق

در این پژوهش نوع تحقیق آمیخته (كمی-کیفی) و در بخش کمی از نوع همبستگی-پیمایشی است. در پژوهش حاضر در ابتدا به گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، مراجعه به استاد مکتب و مقاله‌ها و آمارنامه‌ها بخشی از آن به صورت برداشت‌های میدانی انجام خواهد گرفت. در بخش مطالعات کتابخانه‌ای در جهت تبیین مباحث موردنظر و شناسایی و حذف عوامل مداخله‌گر تأثیرگذار بر حس مکان، به بررسی حس مکان و عوامل شکل دهی آن پرداخته می‌شود تا بتوان به تدوین معیارها و ضوابط پرداخت. در مرحله بعدی پژوهش بر اساس ادبیات موضوع، با کمک مفاهیم به‌نقد و بررسی ارائه مدل و راهکارهای مناسب در جهت تقویت حس مکان می‌پردازد. برای سنجش روایی مدل و جمع‌آوری نظرات مردم، پیمایشی از طریق تکمیل پرسشنامه انجام خواهد گردید جامعه آماری در حدود ۶۰۰۰ نفر، شامل کلیه افراد بالای ۱۸ سال سن، ساکن در شهرک نفت و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران به مقدار ۳۶۲ نفر هست.



نمودار ۲- فرایند انجام پژوهش (مأخذ: نگارندگان)

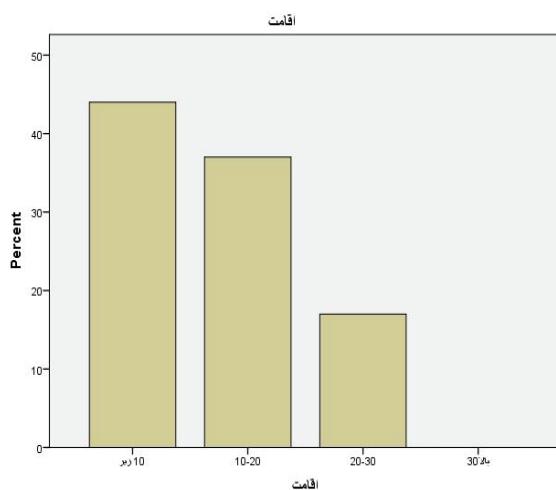
بر اساس متون موروث شده و چارچوب نگارنده در معرفی، پرسشنامه متشکل از ۳۰ سؤال است. پرسش نامه از نوع لیکرت است که دارای طیف (بسیار موافق تا کاملاً مخالف) انجام شد. به منظور بررسی اعتبار و پایایی ابزار سنجش، ابتدا روایی پرسشنامه ارزیابی شد که طی آن گوییه‌های مربوط به متغیرها در قالب پرسش نامه تنظیم شد و در اختیار استادان دانشگاه قرار گرفت تا نظرات خود را درباره قابلیت سنجش آن‌ها و رعایت نکات دستوری و نگارشی اعلام کنند. در این مرحله، با توجه به نظرات مطرح شده، نسبت به اصلاح، تعدیل و حذف برخی گونه‌ها اقدام شد. پس از تعیین اعتبار صوری، سنجش پایایی و روایی شاخص‌ها در دو مرحله آزمون مقدماتی ۳۰ نفر از افراد ساکن در شهرک نفت انجام گرفت و آزمون نهایی ۳۳۲ نفر از ساکنان شهرک نفت انجام گرفت. در آزمون نهایی، تمامی معیارها و کل پرسشنامه‌ها دارای پایایی بودند زیرا مقدار آلفای کرون باخ پرسشنامه ساکنین ۷۷/۵ به دست آمد. پس از گردآوری داده‌ها، اطلاعات کدگذاری شده و تجزیه و تحلیل آماری نتایج با کمک نرم‌افزار SPSS و

به کارگیری آزمون همبستگی اسپیرمن برای سنجش مدل پژوهش و ارزیابی اعتبار آن و از آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی متغیرها استفاده شد. ضریب همبستگی همواره بین ۱ و -۱ است. هر چه مقدار آن از صفر بیشتر باشد رابطه قوی تر است. صفر به معنای عدم رابطه و یک به معنای رابطه کامل است و منفی به معنای عدم همسو بودن همبستگی است. قابل ذکر است به دلیل اینکه جامعه آماری توزیع نرمال نداشت است از آزمون ناپارامتریک فریدمن و آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. نمودار ۲ فرایند انجام پژوهش را نشان می‌دهد.

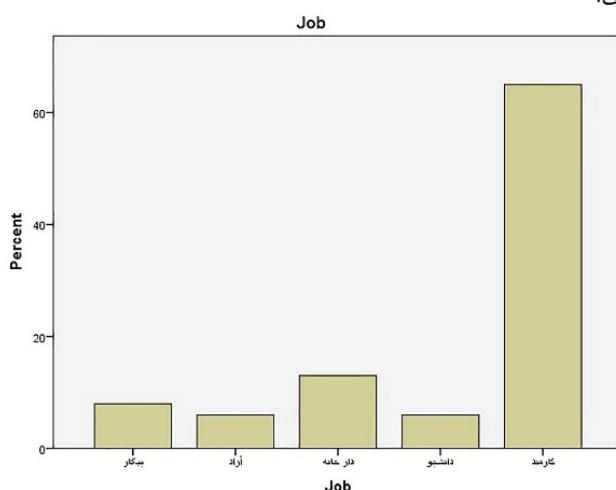
## یافته‌های تحقیق

نتایج تجزیه و تحلیل آماری در دو بخش یافته‌های توصیفی و یافته‌های استنباطی ارائه شده است. در بخش یافته‌های توصیفی به توصیف متغیرهای جمعیت شناختی و متغیرهای اصلی با استفاده از شاخص‌های آماری فراوانی و درصد فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد پرداخته شد. نرمال بودن متغیرها با استفاده از شاخص‌های کجی و کشیدگی و آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف بررسی شد. در بخش یافته‌های استنباطی و جهت آزمون اعتبار پرسشنامه از آزمون همبستگی اسپیرمن و برای بررسی پایایی ابزار اندازه‌گیری از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. در بخش یافته‌های استنباطی و جهت رتبه‌بندی متغیرها از آزمون رتبه‌بندی فریدمن استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS انجام شد.

**متغیرهای جمعیت شناختی:** در پژوهش حاضر، حجم نمونه ۳۶۲ نفر است که میزان پرسش‌شوندگان ۴۵٪ درصد زن و ۵۵٪ درصد مرد است. میانگین توزیع سنی پرسش‌شوندگان ۴۱ سال هست که کمترین ۱۸ و بیشترین سن ۶۳ سال هست. از نظر میزان تحصیلات، بیشتر پاسخ‌گویان با ۴۷٪ درصد، دارای مدرک کارشناسی بوده. در زمینه وضعیت شغلی پرسش‌شوندگان نیز اطلاعاتی جمع‌آوری گردید که این داده در نمودار ۳ و ۴ ارائه می‌گردد و نشان می‌دهد که در حدود ۶۵٪ از آن‌ها کارمند می‌باشند.



نمودار ۳- مدت‌زمان سکونت ساکنان شهرک نفت



نمودار ۳- توزیع پاسخ‌گویان بر حسب وضعیت شغلی به درصد

در زمینه مدت‌زمان سکونت پاسخ‌گویان در شهرک نفت، بیشتر افراد زیر ۱۰ سال با ۴۴٪ درصد در شهرک زندگی می‌کردند. شاخص تعلق مکانی نسبت به شهرک نفت برای پاسخ‌دهندگان در ۶ گویه مطرح گردید. همچنین متغیرهای کالبد فیزیکی همگانی، کالبد فیزیکی خصوصی، فعالیتها و تعاملات اجتماعی، تداعی معنا به ترتیب در ۲۵٪، ۱۶٪، ۲٪ گویه تعریف گردیده است.

**توصیف متغیرهای اصلی و بررسی نرمال بودن:** در جدول ۲ به توصیف متغیرهای اصلی تحقیق پرداخته شد. از آزمون کولموگروف-asmirnov و کجی و کشیدگی است برای سنجش نرمال بودن داده‌ها استفاده شد. چنانچه سطح معنی‌داری برای هر متغیر بیشتر از ۰.۰۰۱ بدست آید نتیجه می‌گیریم متغیر نرمال است. در مورد کجی و کشیدگی، مقادیر این آماره‌ها بین -۱ و +۱ باشد نشان‌دهنده نرمال بودن داده است. نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد متغیرها از توزیع نرمال برخوردار نیستند. بنابراین از روش‌های ناپارامتریک مانند آزمون همبستگی اسپیرمن و آزمون رتبه‌بندی فریدمن برای تحلیل متغیرها در تحقیق استفاده شد.

جدول ۲- توصیف متغیرهای اصلی و بررسی نرمال بودن

متغیرها	معنی داری کولموگروف-اسپیرنوف	کجی	کشیدگی
نظافت و پاکیزگی شهرک	۰/۰۰۰	-۱/۱۷۰	۱/۱۳۵
تداعی خاطرات مذهبی	۰/۰۰۰	-۰/۹۱۷	-۰/۳۰۵
دسترسی به حمل و نقل شهری	۰/۰۰۰	-۱/۱۳۲	۱/۶۸۴
سازمان‌دهی و کیفیت فضاهای داخلی	۰/۰۰۰	-۱/۰۳۹	۱/۳۳۳
تعاملات و مشارکت اجتماعی	۰/۰۰۰	-۰/۹۳۳	۱/۲۱۰
دسترسی به خدمات شهرک	۰/۰۰۰	-۱/۰۰۹	-۱/۰۵۸
انعطاف‌پذیری و چیدمان فضا	۰/۰۰۰	-۱/۰۵۸	۰/۳۷۷
جداییت بصری	۰/۰۰۰	-۰/۶۱۱	۰/۰۰۲
تسهیلات و امکانات رفاهی	۰/۰۰۰	-۰/۵۴۴	۰/۷۴۳
خوانایی	۰/۰۰۰	-۰/۶۲۱	۰/۰۶۰
به حدائق رساندن عناصر ثابت	۰/۰۰۰	-۰/۷۷۳	۰/۱۰۵
تداعی معنای سمبیلیک فرهنگی	۰/۰۰۰	-۰/۲۷۰	-۰/۶۴۹
تداعی خاطرات گذشته	۰/۰۰۰	-۰/۱۷۴	-۰/۰۱۶
احساس امنیت در فضای شهرک	۰/۰۰۰	۰/۰۳۹	۰/۵۳۷
مدت سکونت ساکنین	۰/۰۰۰	۰/۵۲۷	-۰/۹۰۲

**میزان ارتباط و تأثیر هر یک از عوامل بر یکدیگر:** جدول شماره (۳) همبستگی معناداری بین ۴ مؤلفه نشان می‌دهد. از این میان مؤلفه فرامعماری بالاترین همبستگی را با دیگر مؤلفه‌ها دارد بدین صورت که بیشترین همبستگی را فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی و با مقدار ۰/۰۱۰ / با مؤلفه فرامعماری دارد. بعداز آن کالبد خصوصی با مقدار  $\text{TS} = ۰/۴۳۲$  و کالبد(همگانی) به مقدار  $\text{TS} = ۰/۳۴۷$  هستند. بدین معنا هر چه عناصر سمبیلیک فرهنگی، عناصر سمبیلیک مذهبی برای برگزاری آیین و فرهنگی و مذهبی بیشتر باشد فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی بیشتر خواهد شد احساس امنیت افزایش خواهد یافت، دلیستگی به مکان بیشتر شده و باعث تقویت حس مکان می‌شود. با توجه به رابطه معنی دار بین مؤلفه‌ها در آزمون همبستگی اسپیرمن می‌توان گفت این آزمون اعتبار مدل ارائه شده را نشان می‌دهد.

جدول ۳- تحلیل همبستگی اسپیرمن بین مؤلفه‌های حس مکان (مأخذ: نگارندگان)

کالبدی(خصوصی)	کالبدی(همگانی)	فعالیت و تعاملات اجتماعی	fra معماری	
۰/۴۳۲**	۰/۴۱۵**	۰/۲۰۹**	۱.۰۰۰	کالبدی(خصوصی)
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	.	سطح معناداری
۰/۳۴۷**	۰/۲۶۹**	۱.۰۰۰	۰/۲۰۹**	کالبدی(همگانی)
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	.	۰/۰۰۰	سطح معناداری
۰/۷۶۵**	۱.۰۰۰	۰/۲۶۹**	۰/۴۱۵**	فعالیت و تعاملات اجتماعی
۰/۰۰۰	.	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری
۱.۰۰۰	۰/۷۹۵**	۰/۳۴۷**	۰/۴۳۲**	فرامعماری
.	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری

**آزمون پایایی (آلفای کرون باخ):** در جدول ۴ نتایج آزمون پایایی (آلفای کرون باخ و پایایی ترکیبی) گزارش شده است. در این پژوهش نتایج نشان داد چنانچه پایایی بدست آمده برای هر کدام از مؤلفه‌ها بیشتر از ۷۰ شود نشان از تائید پایایی آن مؤلفه دارد. بررسی مقادیر پایایی آلفای کرون باخ نشان داد که تمامی مقادیر پایایی آلفای کرون باخ ۴ مؤلفه اصلی  $۷۷/۵۰$  است و نشان دهنده پایایی مناسب پرسشنامه پژوهش است.

**رتیبه‌بندی مؤلفه‌های اصلی:** جهت رتبه‌بندی ۵ مؤلفه اصلی تأثیرگزار بر داوری طرح‌های معماری از آزمون فریدمن استفاده شد تا مؤلفه‌های اصلی را از نظر وضعیت و جایگاه رتبه‌بندی شوند. با توجه به جدول ۴ رتبه‌بندی مؤلفه‌های اصلی آزمون فریدمن، وزن درصدی مؤلفه‌ها اصلی حس مکان تعیین شده. وزن درصدی مؤلفه‌ها اصلی به ترتیب کالبد خصوصی ۳۱/۱۲ درصد بیشترین تأثیر را بر حس مکان دارد و بعداز آن کالبد همگانی با وزن ۲۵/۵۰، فرامعماري با وزن ۲۴/۳۰ و فعالیت و تعاملات اجتماعی با وزن ۱۹/۱۰ است.

جدول ۵: رتبه‌بندی مؤلفه‌های اصلی آزمون فریدمن

رتبه	نام مؤلفه	وزن (%)	رتبه	نام مؤلفه	وزن (%)
۱	کالبد خصوصی (درون ساختمان)	۳۱/۱۲	۱	کالبد خصوصی (درون ساختمان)	۳۱/۱۲
۲	کالبد همگانی(محیط شهرک)	۲۵/۵۰	۲	کالبد همگانی(محیط شهرک)	۲۵/۵۰
۳	فرامعماري	۲۴/۳۰	۳	فرامعماري	۲۴/۳۰
۴	فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی	۱۹/۱۰	۴	فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی	۱۹/۱۰
۵			۵		
۶			۶		
۷			۷		
۸			۸		
۹			۹		
۱۰			۱۰		
۱۱			۱۱		
۱۲			۱۲		
۱۳			۱۳		
۱۴			۱۴		
۱۵			۱۵		

$$\text{Chi Square} = ۱۶۳.۰۳۲, \text{df} = ۳, p = ...$$

**رتیبه‌بندی زیر مؤلفه‌ها:** جهت رتبه‌بندی زیر مؤلفه‌ها از آزمون فریدمن استفاده شد. با استفاده از این آزمون زیر مؤلفه‌ها از نظر وضعیت و جایگاه رتبه‌بندی و نتایج آزمون فریدمن در جدول ۵ آمده است. یافته‌های رتبه‌بندی زیر مؤلفه‌ها نشان می‌دهد با توجه به مقدار کای اسکوئر که برابر با  $P=0.00$  ( $df=15$ ) است، می‌توان استنباط کرد که بین زیر مؤلفه تأثیرگزار بر حس مکان تفاوت معنی‌داری وجود دارد و رتبه و مقدار این زیر مؤلفه‌ها متفاوت است. نتایج آزمون رتبه‌بندی فریدمن نشان داد که زیر مؤلفه نظافت و پاکیزگی و تداعی مذهبی و دسترسی به حمل و نقل شهری بالاترین میانگین رتبه را به ترتیب  $11.59, 11.28, 11.57, 10.37, 10.32$  داشتند. می‌توان این نتایج را با نتایج آزمون فریدمن مقایسه کرد که این زیر مؤلفه مثر بر حس مکان در شهرک نفت است. بعداز آن سازماندهی و کیفیت فضاهای داخلی، تعاملات و مشارکت اجتماعی و دسترسی به خدمات شهرک قرار دارد. نمره حاصل شده برای هر زیر مؤلفه در آزمون فریدمن به ترتیب  $9.49, 10.37, 10.32$  است. نتایج نشان می‌دهد که این زیر مؤلفه‌ها، بیشترین تأثیر را بر حس مکان در مقایسه با زیر مؤلفه‌های دیگر دارد و زیر مؤلفه‌های احساس امنیت در شهرک و مدت سکونت ساکنین کمترین تأثیر را بر حس مکان در شهرک نفت را دارند. جدول ۶ نتیجه آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی زیر مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۶- نتیجه آزمون فریدمن جهت رتبه‌بندی زیر مؤلفه‌ها

ردیفه	مؤلفه
۱	نظافت و پاکیزگی شهرک
۲	تداعی خاطرات مذهبی
۳	دسترسی به حمل و نقل شهری
۴	سازمان دهی و کیفیت فضاهای داخلی
۵	تعاملات و مشارکت اجتماعی
۶	دسترسی به خدمات شهرک
۷	انعطاف‌پذیری و چیدمان فضا
۸	جذابیت بصری
۹	تسهیلات و امکانات رفاهی
۱۰	خوانایی
۱۱	به حدائق رساندن عناصر ثابت
۱۲	تداعی معنای سمبولیک فرهنگی
۱۳	تداعی خاطرات گذشته
۱۴	احساس امنیت در فضای شهرک
۱۵	مدت سکونت ساکنین

Chi Square=۱۶۹۶/۸۵۶ df=۱۵ P=0.00

## بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی گردید بر روی یکی از مسائل حاضر یعنی بحث تعلق مکانی ساکنان پرداخته شود بسیاری از تحقیقات اخیر در حوزه معماری و روانشناسی محیطی به مسئله حس مکان پرداخته‌اند که به‌طور کلی دسته‌ای از مقالات به شناسایی و معرفی عوامل تشکیل‌دهنده حس مکان پرداخته‌اند و دسته‌ای دیگر مقالات به طبقه‌بندی سطوح مختلف حس مکان معطوف شده است. از جمله می‌توان به تحقیقات لینچ، شولتز، راپورت، رلف، استیل و شامای، سالواسن، هیومن، کراس، آردین، بولی، کیم و لوماس در خارج از کشور و فلاحت، صدریان، مشکینی، مظلومی، فروزنده، ملکی، صمدپور در داخل کشور اشاره کرد که در بخش‌های پیشینه تحقیق و مبانی نظری به برخی از آن‌ها اشاره شد. دسته‌ای از مقالات به معرفی تأثیراتی که مجموعه مسکونی محصور بر ساکنین این مجموعه‌ها می‌گذارد پرداخته‌اند محققانی همچون بیکلین، لو، صلاح، دانگه، آتکینسون در این راستا می‌توان معرفی کرد. قابل ذکر است پژوهش حاضر همسو با نظریات راپورت، استیل، شامای سالواسن، مؤلفه‌های سنجش حس مکان به سه دسته کالبدی، فعالیت‌های اجتماعی و فرا معماري تقسیم کرد. عوامل کالبدی خود به دو زیرمجموعه: همگانی (محیط شهرک) و خصوصی (درون ساختمان) تقسیم نمود. همان‌گونه که در بخش پیشینه و مبانی نظری پژوهش هم اشاره گردید، نتایج تحقیقات مشابه داخلی و خارجی یافته‌های تحقیق حاضر را تائید و یا تکمیل می‌نمایند. در واقع هدف از این پژوهش سنجش میزان ادراک حس مکان توسط ساکنین در مجموع مسکونی محصور(شهرک-شرکت‌ها) بوده که به طور مستقیم در تحقیقات پیشین مورد بحث قرار نگرفته است. تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های پیشین تحلیل تأثیر حس مکان (کالبد خصوص، کالبد همگانی، فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی، فرامعماري) درمجموعه‌های مسکونی محصور، شهرک شرکت‌هایی است که در تملک یک شرکت دولتی یا خصوصی بوده و بررسی جمعیتی مشخص در واحد سکونتی افراد هم‌پیشه است؛ و توسط آن طراحی، سرمایه‌گذاری، نگهداری و مدیریت می‌شوند، که هیچ کدام از پژوهش‌های پیشین به این موضوع پرداخته است.

برای پاسخ به سؤال اول پژوهش، مؤلفه‌های حس مکانی، از دیدگاه و نظریات صاحب‌نظران استخراج و معیارها دسته‌بندی شوند و مدلی برای آن تدوین شد. نتایج حاصله مؤلفه‌های سنجش حس مکان به سه دسته کالبدی، فعالیت‌های اجتماعی و فرا معماري تقسیم می‌شود. در بخش روش پژوهش پس از گردآوری داده‌ها، اطلاعات کدگذاری شده و با کمک نرم‌افزارهای آماری

SPSS و همبستگی اسپیرمن مورد و توزیع فراوانی تجزیه و تحلیل قرار گرفت. لازم به ذکر است از همبستگی اسپیرمن برای سنجش مدل پژوهش و ارزیابی اعتبار استفاده شد. از آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی متغیرهای استفاده شد. با توجه به رابطه معنی‌دار بین مؤلفه‌های حس مکان (کالبد خصوص، کالبد همگانی، فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی، فرامعماري) در آزمون همبستگی اسپیرمن می‌توان گفت این آزمون اعتبار مدل ارائه شده را نشان می‌دهد. از بررسی نتایج این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت، همبستگی معناداری بین کالبد فیزیکی (همگانی) با کالبد فیزیکی (خصوصی)، فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی و فرا معماري وجود دارد. همان‌طور که نتایج نشان داد همبستگی معناداری بین کالبد فیزیکی (خصوصی)، فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی و فرا معماري وجود دارد. بدین معنا که هر چه رضایت فرد از کالبد فیزیکی خصوصی که شامل سازمان‌دهی و کیفیت فضاهای داخلی خانه و انعطاف‌پذیری فضاهای آن می‌شود، بیشتر باشد. تمایل به حضور و مشارکت اجتماعی و شرکت در مراسمات مذهبی و فرهنگی امنیت در محیط افزایش می‌یابد. این منجر می‌شود که مالکیت خانه با توجه به اینکه در شهرک وجود ندارد، ولی حس تعلق به مکان قوی، در ساکنین نسبت به شهرک ایجاد کند؛ که بالاتر از حس تعلقی ایست که به شهر اهواز در آن‌ها ایجاد کرده است. طبق یافته‌های تحقیق حاضر و در پاسخ به سؤال دوم در خصوص بررسی میزان تأثیرگذاری چهار عیار اصلی حس مکان بر ساکنین شهرک، از آزمون رتبه‌بندی فریدمن استفاده شد، وزن درصدی مؤلفه‌ها اصلی حس مکان تعیین شده به ترتیب کالبد خصوصی بیشترین تأثیر را بر حس مکان برای ساکنین را دارد و بعد از آن کالبد همگانی، فرامعماري و فعالیت و تعاملات اجتماعی قرار داشت. نتایج نشان داد میزان رضایت ساکنین از کالبد خصوصی که همان خانه و فضای آن است در مقایسه با دیگر مؤلفه‌ها در ایجاد حس تعلق به مکان ساکنین بسیار مؤثر است. مؤلفه کالبد خصوصی که سازمان‌دهی و کیفیت فضاهای داخلی خانه‌ها را شامل می‌شود که در خانه‌های مسکونی شهرک نفت طراحان ۱- با استفاده از آستانه در به عنوان یک حوزه کالبدی که قابلیت نشان دادن ارزش‌هایی که هر یک از ساکنین به محل سکونت خود را دارد ۲- ایجاد باعچه و فضای سبز در حیاط واحد مسکونی که هر شخص مطابق با خواسته خود می‌تواند آن را تغییردهد ۳- استفاده از کفسازی‌های متنوع در کنار ساختمان‌ها، ایوان‌ها و تراس‌ها برای تمایز کردن هر مکان که طراح برای نمایش اشیا) گلدان، پیچک و ...) ایجاد کرده. ۴- طراح در دوطرفه در ورودی فضای خالی دیوار و کف پنجره به صورتی طراحی کرده که ساکنین به راحتی بتوانند گیاهان خود را چون پیچک‌ها قرار دهند. توانایی تغییر در پلان واحدهای مسکونی با حذف دیوار آشپزخانه و پذیرایاز طریق به حداقل رساندن عناصر ثابت همچون دیوار است. مؤلفه عوامل کالبدی همگانی که در فضا و محیط شهرک توسط طراحان انجام شده شامل نظافت و پاکیزگی شهرک است. از طریق طراحی محل‌های دسترسی به حمل و نقل شهری با ایجاد ایستگاه‌های اتوبوس و تاکسی متعدد در سطح شهرک جهت دسترسی به نقاط مختلف شهری را شامل می‌شود. دسترسی به امکانات خدماتی و رفاهی مختلف در سطح شهرک همچون: درمانگاه، مراکز ورزشی، بازارچه و مراکز خرید، کانون زبان، کتابخانه و مدارس، مرکز آتش‌نشانی است. جذابیت بصری فضای شهرک با کاشت و نگهداری عناصر گیاهی در عرصه نیمه خصوصی و نیمه عمومی توسط ساکنین شهرک است گیاه، عامل تقویت حس تعلق به مکان است. طراحات برای ایجاد حس مکان امکانات رفاهی مختلفی را در طراحی در نظر گرفته همچون: درمانگاه، مراکز ورزشی، بازارچه و مراکز خرید، کانون زبان، کتابخانه و مدارس در سطح شهرک و وضوح و خوانایی مسیرها با استفاده از فضای سبز، حصار و... استفاده از فضای باز مابین بلوک‌ها برای مشارکت اجتماعی. عوامل فرامعماري از طریق تداعی خاطرات مذهبی وجود دو مسجد و دو حسینه در سطح شهرک و برگزاری آیین مذهبی هر سال در سطح شهرک وجود مزار شهدا برای یادآوری شهدای جنگ تحمیلی. تداعی معنای سمبولیک فرهنگی حفظ تقویت عوامل خاطره‌انگیز، با طراحی عوامل کالبدی و فرهنگی مانند مجموعه‌های فرهنگی ورزشی، زمین‌های ورزشی کانون زبان و پرورشی که محل‌های گردش‌هایی و فعالیت جمعی هستند. تداعی خاطرات گذشته از طریق وجود محل‌های گردش‌هایی و فعالیت جمعی و برای امور خیریه و یا جشن‌ها و مراسمات در طول سال همچون: پاتوق‌ها، بازارچه‌ها و فضای سبز، پارک، تک درخت در میدان و یا زمین ورزشی فضای خاطره‌انگیز برای ساکنان آن به وجود آورده است. بسیاری از محققین (أتکینسون ۲۰۲۰، بليکلى و اسنایدر، ۱۹۹۷؛ کوى، ۲۰۰۲؛ پاو، ۲۰۰۵) از مجموعه مسکونی محصور انتقاد می‌کنند که این مجموعه‌ها منجره کاهش تعامل اجتماعی و سست شدن روابط با همسایگان می‌شود. نتایج پژوهش همسو با نظرات این محققین نشان می‌دهد در شهرک نفت مؤلفه تعاملات و مشارکت اجتماعی در جایگاه آخر قرار دارد. در شهرک مسکونی این مؤلفه از طریق ایجاد فضاهایی برای تعاملات و مشارکت اجتماعی چون وجود پاتوق‌ها، بازارچه‌ها، پارک سلامت،

یا زمین‌های ورزشی و به مجموعه فرهنگی و ورزشی و رستوران، مساجد و حسینیه‌ها که محل‌های گردشگری و فعالیت جمعی برای ساکنین هستند. انعطاف‌پذیری و چیدمان مبلمان فضای از طریق طراحی محل‌های نشستن و توقف ایستاده به صورت جمعی یا فردی و مبلمان متنوع برای فعالیت‌های متنوع چون نشستن، ورزش کردن، بازی کردن در فضای شهرک نفت وجود دارد. احساس امنیت در فضای شهرک از طریق معلوم بودن محدوده‌ی شهرک و تعریف شدن ورودی و دیوارکشی ایجاد حریم سبز با کاشتن درختان در نزدیک دیوار که در عین زیبایی باعث ایجاد محرومیت بصری درون آن می‌شود. رتبه بندی فریدمن نشان می‌دهد بر خلاف نظرات محققین (صلاح ۲۰۱۸، بیکلین ۲۰۱۶، ملکی ۱۳۹۳) که امنیت را عامل ارتقا حس‌مکان می‌داند. امنیت در این پژوهش رتبه پایینی را کسب کرده شاید به دلیل اینکه در شب محیط شهرک روشنایی مناسبی نداشته است و در آن کنترل بر جمعیت حیوانات همچون سگ و روباه نداشت این عامل منجرب می‌شود در تاریکی شب احساس عدم امنیت در ساکنین ایجاد شود. برخلاف نظر مشکینی، مدت سکونت ساکنین تأثیری بر افزایش حس‌مکان نداشته.

یافته‌های پژوهش در راستای تأثیر هرکدام از زیر مؤلفه‌های حس‌مکان در فضای شهرک نفت نشان می‌دهد با توجه به مقدار کای اسکوئر که برابر با  $1696.856$  ( $df=15$ ) و ( $p=0.00$ ), معنی‌دار شده است. می‌توان استنباط کرد که بین زیر مؤلفه تأثیرگذار بر حس‌مکان تفاوت معنی‌داری وجود دارد و رتبه و مقدار این زیر مؤلفه‌ها متفاوت است. نتایج آزمون رتبه‌بندی فریدمن نشان داد که زیر مؤلفه نظافت و پاکیزگی و تداعی مذهبی و دسترسی به حمل و نقل شهری بالاترین میانگین رتبه را به ترتیب دارند و نشان می‌دهد که این زیر مؤلفه‌ها، مهم‌ترین زیر مؤلفه مؤثر بر حس‌مکان در شهرک نفت است. بعدازآن سازمان‌دهی و کیفیت فضاهای داخلی، تعاملات و مشارکت اجتماعی و دسترسی به خدمات شهرک قرار دارد. برخلاف پژوهش‌های گذشته زیر مؤلفه‌های احساس امنیت در شهرک و مدت سکونت ساکنین کمترین تأثیر را بر حس‌مکان در شهرک نفت را دارند.

بررسی نتایج در شهرک نشان می‌دهد که توجه طراح به معیارهای تأثیرگزار بر حس‌مکان بسیار بوده است. که این معیارها قابل تعمیم بوده و می‌توانند مورد توجه طراحان شهری و معماران برای ایجاد حس‌مکان برای مجموع مسکونی بسته قرار گیرد. جدول ۷ مؤلفه‌های تأثیرگذار بر حس‌مکان در شهرک نفت را نشان می‌دهد.

جدول ۷- بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر حس‌مکان در شهرک نفت

زیر مؤلفه‌ها	رتبه‌بندی	راهکارها
سازمان‌دهی و کیفیت فضاهای داخلی	۱۰/۳۷	 ۱- استفاده از آستانه به عنوان یک حوزه کالبدی ۲- ایجاد با غچه و فضای سبز در حیاط واحد مسکونی ۳- استفاده از واحدهای کوچک کفسازی کنار ساختمان‌ها، ایوان‌ها و تراس‌ها مکان. ۴- دوطرفه در ورودی فضای خالی دیوار را برای نصب ملحقات نظیر: پیچک‌ها قرار دارد.
به حداقل رساندن عناصر ثابت	۷/۶۶	 تغییر در پلان واحدهای مسکونی حذف دیوار آشپزخانه و پذیرایی جهت به حداقل رساندن عناصر ثابت.
نظافت و پاکیزگی شهرک	۱۱/۵۹	 نظافت و پاکیزگی روزانه معاشر توسط خدمات نظافتی

زیر مؤلفه‌ها	رتبه‌بندی	راهکارها
دسترسی به حمل و نقل شهری	۱۱/۲۸	وجود ایستگاه‌های اتوبوس متعدد و ایستگاه تاکسی برای دسترسی به نقاط مختلف شهری
دسترسی به خدمات شهری	۹/۴۹	دسترسی به امکانات خدماتی و رفاهی مختلف در سطح شهرک همچون: درمانگاه، مرکز ورزشی، بازارچه و مراکز خرید، کانون زبان، کتابخانه و مدارس، مرکز آتش‌نشانی .
جذابیت بصری	۹/۰۸	ایجاد و نگهداری عناصر گیاهی در عرصه نیمه خصوصی و نیمه عمومی توسط ساکنین است گیاه ، عامل تقویت حس تعلق است.
تسهیلات و اماکن رفاهی	۸	وجود امکانات رفاهی مختلف همچون: درمانگاه، مرکز ورزشی، بازارچه و مراکز خرید، کانون زبان، کتابخانه و مدارس در سطح شهرک.
خوانایی	۷/۸۹	۱-وضوح و خوانایی مسیرها با استفاده از فضای سبز، حصار ... -۲-استفاده از فضای باز مابین بلوک‌ها.
مدت سکونت ساکنین	۱/۶۱	مدت سکونت ساکنین، از اجزای تشکیل دهنده مکان هستند.
تداعی خاطرات مذهبی	۱۱/۵۷	وجود دو مسجد و دو حسینه در سطح شهرک و برگزاری آیین مذهبی هر سال در سطح شهرک وجود مزار شهدا برای یادآوری شهدای جنگ تحملی



زیر مؤلفه‌ها	رتبه‌بندی	راهکارها
تداعی معنای سمبولیک فرهنگی	۷/۴۹	<p>حفظ تقویت عوامل خاطره‌انگیز، همچون عوامل کالبدی و فرهنگی مانند مجموعه‌های فرهنگی ورزشی، زمین‌های ورزشی کانون زبان و پرورشی که محل‌های گردشگری و فعالیت جمعی هستند.</p>  
تداعی خاطرات گذشته	۶/۸۷	<p>وجود محل‌های گردشگری و فعالیت جمعی و برای امور خیریه و یا جشن‌ها و مراسمات در طول سال همچون: پاتوق‌ها، بازارچه‌ها و فضای سبز، پارک، تک درخت در میدان و یا زمین ورزشی فضای خاطره‌انگیز برای ساکنان آن به وجود آورده است.</p>  
تعاملات و مشارکت اجتماعی	۱۰/۳۲	<p>وجود پاتوق‌ها، بازارچه‌ها، پارک سلامت، یا زمین‌های ورزشی و به مجموعه فرهنگی و ورزشی و رستوران، مساجد و حسینیه‌ها که محل‌های گردشگری و فعالیت جمعی برای ساکنین هستند.</p>  
انعطاف‌پذیری فضا و چیزمان	۹/۴۶	<p>۱- وجود محل‌های نشستن و توقف ایستاده به صورت جمعی یا فردی -۲ عرصه‌های عمومی و خصوصی به کمک فضاهای نیمه عمومی و نیمه خصوصی برای حفظ حریم خصوصی ساکنین -۳ وجود مبلمان متنوع برای فعالیت‌های متنوع چون نشستن، ورزش کردن، بازی کردن و....</p>  
احساس امنیت در فضای شهرک	۵/۸۱	<p>علوم بودن حدود شهرک با تعریف شدن ورودی و دیوارکشی ایجاد حریم سبز با کاشتن درختان در نزدیک دیوار که در عین زیبایی باعث ایجاد محرومیت بصیری درون آن می‌شود.</p> 

## فهرست منابع

- بنتلی، ی.، آلکاک، آل، مورین، پ، گلین، س، اسمیت، گ. (۱۹۴۵). محیط های پاسخده، کتاب راهنمای طراحان، (ترجمه مصطفی بهزادفر)، تهران: دانشگاه علم و صنعت، ۶: ص. ۲۹۵.
- قاسمی اصفهانی، م. (۱۳۹۴). "ما کجا هستیم؟" (هویت به ساختمان های مسکونی)، انتشارات روزانه، تهران.
- عینی فر، ع. (۱۳۸۲). یک مدل تحلیل انعطاف پذیر در مسکن سنتی ایران، مجله هنرهای زیبا، ۱۳: صص ۷۷-۶۴.
- فلاحت، م. (۱۳۸۴). نقش طراحی فیزیکی به معنای محل مسجد، مجله هنرهای زیبا، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۲: صص ۴۲-۳۵.
- فلاحت، م (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عناصر تشکیل دهنده آن، مجله هنرهای زیبا، ۲۶: صص ۵۷-۶۶.
- مدیری، آنسا. (۱۳۸۷). مکان، نشریه هویت شهر، تهران، ۲: صص ۷۹-۶۹.
- ظاهر طوط دل، مهدی نژاد، جمال الدین، سادات، & سیده اشرف. (۲۰۲۰). تأثیر مؤلفه‌های معنایی، رفتاری و کالبدی حس مکان در رضایتمندی سکونتی. معماری و شهرسازی پایدار، ۱(۱)، ۱۶۵-۱۸۲.
- مهدوی نژاد، م. (۱۳۹۹). ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی بر حس دلبستگی به مکان در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی منتخب تهران، مجله باغ نظر، ۱۷(۸۳): صص ۱۵-۳۰.
- نوفل، ع.، کلبادی، پ.، پور جفر، م. (۱۳۸۸). بررسی و ارزیابی شاخص‌های موثر در هویت شهری مطالعه موردی محله جلفا در اصفهان، مجله آرمانشهر، ۳: صص ۵۷ تا ۶۹.
- پور جفر، م.، صادقی، ع. (۱۳۸۷). اصول طراحی هدفمند محور نشانه‌های شهری، هویت شهری، مجله هویت شهر، ۳: صص ۹۵-۱۰۶.
- صدریان، ز.، حسینی، س.، نوروزیان ملکی، س. (۱۳۹۳). ارتقا حس تعلق به محل از طریق نوسازی بافت فرسوده با توجه به فضای واسط (نمونه موردی: محله باغ شاطر تهران، انجمن علمی معماری و شهرسازی)، ۷: صص ۴۴-۳۵.
- مشکینی، ا.، قاسمی، ا.، حمزه‌نژاد، م. (۱۳۹۳). بررسی حس تعلق به محل ساکنان شهرهای جدید مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد، مجله فضای جغرافیایی، ۳۱: صص ۵۶-۴۴.
- فروزنده، ع.، مطلبی، غ. (۱۳۹۰). مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن، مجله هویت شهر، ۸: صص ۳۷-۲۷.
- ملکی، م.، پارسا، س.، وثیق، ب. مرادی، ا. (۱۳۹۳). مجله مسکن و محیط روتا، ۱۴۸: صص ۹۸-۹۹.
- منتظرالججه، م.، شریف نژاد، م.، دهقان، س. (۱۳۹۵). ارزیابی و سنجش عوامل مؤثر بر ایجاد حس مکان در مراکز محله های شهری (مطالعه موردی: مراکز محله‌های شیخداد و شهرک دانشگاخ در شهر یزد). مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۲۶(۷): صص ۴۳-۵۴.
- کاشی، ح.، بنیادی، ن. (۱۳۹۲). تبیین مدل هویت مکان- حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن (نمونه موردی: پیاده راه شهر ری)، معماری و شهرسازی (هنرهای زیبا)، ۱۸، ۳: صص ۴۳-۵۲.
- احمدآبادی، ز.، صالحی هیکوبی، م.، احمدآبادی، ع. (۱۳۸۶). رابطه مکان و جرم: مطالعه آسیب‌شناسی گیم‌نست‌های شهر تهران، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، ۷(۴): ۲۵۳-۲۷۵.

- Ardoin, N. M., Gould, R. K., Lukacs, H., Sponarski, C. C., & Schuh, J. S. (2019). Scale and sense of place among urban dwellers. *Ecosphere*, 10(9), e02871.
- Collaborative and transformational leadership in the environmental realm Almatarneh R.T, (2013) . Choices and changes in the housing market and community preferences: Reasons for the emergence of gated communities in Egypt: a case study of the Greater Cairo Region, Egypt, Ain Shams Eng. J. 4 .563-583.
- Atkinson R, Sarah Blandy S . (2021).Gated Communities. International Encyclopedia of Human Geography, 2nd edition, Volume 5,pp 259-263.
- Bekleyen, A., & Yilmaz-Ay, I. (2016). Are gated communities indispensable for residents?. *Urbani izziv*, 27(1), 149-161.

- Blakely, E. J., & Snyder, M. G. (1997). *Fortress America: gated communities in the United States*. Brookings Institution Press.
- Boley,B.B Strzelecka, M. Yeager,E., Ribeiro,M.AAleshinloye,K.D, Woosnam,K.M. Mimbs,P.B. (2021). Measuring place attachment with the Abbreviated Place Attachment Scale (APAS). *Journal of Environmental Psychology*, 74, 101577, pp1-12.
- E. Denis, From Walled city to Gated Communities, in: P.Singerman, Diane, Amar (Eds.), Cairo as Neoliberal Capital?, Cairo Cosmopolitan, American University in Cairo Press, 2006.
- Canter, D., & GROAT, J. (1977). The psychology of place Architectural Press. *Psychology*.
- Cross, J. E. (2001). What is sense of place. In Archives of the 12th Headwaters Conference. November 2-4, pp. 1-14.
- Devine-Wright, P. (2020). Place attachment. In *The Routledge Handbook of Place* (pp. 506-517). Routledge.
- Dong, W., Cao, X., Wu, X., & Dong, Y. (2019). Examining pedestrian satisfaction in gated and open communities: An integration of gradient boosting decision trees and impact-asymmetry analysis. *Landscape and urban planning*, 185, 246-257.
- El-Ekhteyar, E., & Furlan, R. (2016). Sense of community in gated communities in doha:The case of Al-ein compound in ein khaled neighborhood. *American Journal of Sociological Research*, 6(5), 126-134.
- Canter, D (1977). The Psychology of Place Architectural Press, London.
- Cross, J. E. (2001). What is sense of place. In Archives of the 12th Headwaters Conference. November 2-4, pp. 1-14.
- Gieling, J., Vermeij, L., & Haartsen, T. (2017). Beyond the local-newcomer divide: Village attachment in the era of mobilities. *Journal of Rural Studies*, 55, 237-247.
- Giuliani, M. V., & Scopelliti, M. (2009). Empirical research in environmental psychology: Past, present, and future. *Journal of Environmental Psychology*, 29(3), 375-386.
- Guest, A.M., Wierzbicki, S.K., 1999. Social ties at the neighborhood level: two decades of. GSS evidence. *Urb. Aff. Rev.* 35 (1), 92-111.
- Ghonimi, I., El Zamly, H., Khairy, M., & Soilman, M. (2011). The Contribution Of Gated Communities To Urban Development In Greater Cairo Region, New Towns. *Journal of al Azhar University-Engineering Sector*.
- Grant, J., & Mittelsteadt, L. (2004). Types of gated communities. *Environment and planning B: Planning and Design*, 31(6), 913-930.
- Hapsariniaty, A. W., Sidi, B. D., & Nurdini, A. (2013). Comparative Analysis of Choosing to Live in Gated Communities: A case study of Bandung metropolitan area. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 101, 394-403.
- Hernández, B., Hidalgo, M. C., & Ruiz, C. (2020). Theoretical and methodological aspects of research on place attachment. *Place Attachment*, 94-110.
- Higgitt, N. C., & Memken, J. A. (2001). Understanding neighborhoods. *Housing and Society*, 28(1-2), 29-46.
- Hsueh, Y. S. (2018). THE BEHAVIORAL FACTORS ON INFLUENCING RESPONSIBLE ENVIRONMENTAL BEHAVIOR OF ISLAND TOURISTS-A CASE STUDY OF JIBEI ISLAND IN TAIWAN PENGHU. *International Journal of Organizational Innovation*, 11(2).
- Osmond, I. C., Daniel, D. O., Abiodun, A. C., & Fadeke, O. M. (2014). Comparative study of rental values of two gated estates in Lekki peninsula Lagos. *Journal of Sustainable Development Studies*, 5(2).
- Kil, N., Holland, S. M., Stein, T. V., & Ko, Y. J. (2012). Place attachment as a mediator of the relationship between nature-based recreation benefits and future visit intentions. *Journal of Sustainable Tourism*, 20(4), 603-626.

- Landman, K. (2000). *An overview of enclosed neighbourhoods in South Africa*. CSIR Division of Building and Construction Technology.
- Landman, K. (2008). Gated neighbourhoods in South Africa: an appropriate urban design approach?. *Urban Design International*, 13(4), 227-240.
- Larson, L. R., Cooper, C. B., Stedman, R. C., Decker, D. J., & Gagnon, R. J. (2018). Place-based pathways to proenvironmental behavior: Empirical evidence for a conservation–recreation model. *Society & Natural Resources*, 31(8), 871-891.
- Lewicka, M. (2011). Place attachment: How far have we come in the last 40 years?. *Journal of environmental psychology*, 31(3), 207-230.
- Lin, C. C., & Lockwood, M. (2014). Forms and sources of place attachment: Evidence from two protected areas. *Geoforum*, 53, 74-81.
- Low, S. (2004). *Behind the gates: Life, security, and the pursuit of happiness in fortress America*. Routledge.
- Lomas, M. J., Ayodeji, E., & Brown, P. (2021). Experiences of place attachment and mental wellbeing in the context of urban regeneration. *Health & Place*, 70, 102604.
- Makinde, O. O. (2014). Neighbourhood Safety in Selected Gated Communities in Ibadan, Oyo-State, Nigeria. *Unpublished MPhil Thesis, Department of Architecture, Obafemi Awolowo University, Osun State*.
- Masterson, V. A., Enqvist, J. P., Stedman, R. C., & Tengö, M. (2019). Sense of place in social–ecological systems: From theory to empirics. *Sustainability science*, 14(3), 555-564.
- Norberg-Shulz, Christian. 1997. The phenomenon of place. New York: Princtor Architectural Press.
- El Sayed, E. N. S. F. (2016). Residents' satisfaction at gated communities In Egypt. *International Journal of Scientific & Engineering Research*, 7(4), 1185-1196.
- Norberg-Shulz, Christian. 1997. The phenomenon of place. New York: Princtor Architectural Press.
- Putnam, R.D., 1995. Bowling alone: America's declining social capital. *J. Democr.* 6 (1), 65–78.
- Pow, C. P. (2015). Urban dystopia and epistemeologies of hope. *Progress in Human Geography*, 39(4), 464-485.
- Ramkissoon, H., & Mavondo, F. T. (2015). The satisfaction–place attachment relationship: Potential mediators and moderators. *Journal of Business Research*, 68(12), 2593-2602.
- Relph, E. (1976). *Place and placelessness* (Vol. 67). London: Pion.
- Salah, N. M., & Ayad, H. M. (2018). Why people choose gated communities: A case study of Alexandria metropolitan area. *Alexandria engineering journal*, 57(4), 2743-2753.
- Riger, S., & Lavrakas, P. J. (1981). Community ties: Patterns of attachment and social interaction in urban neighborhoods. *American journal of community psychology*, 9(1), 55.
- Shamai, S. (1991). Sense of place: An empirical measurement. *Geoforum*, 22(3), 347-358.
- Scannell, L., & Gifford, R. (2014). The psychology of place attachment Environmental Psychology: Principles and Practice. *Victoria: Optimal Books*, 278-9.
- Song, Z., & Soopramanien, D. (2019). Types of place attachment and pro-environmental behaviors of urban residents in Beijing. *Cities*, 84, 112-120.
- Smith, J. S., & Cartlidge, M. R. (2011). Place attachment among retirees in Greensburg, Kansas. *Geographical review*, 101(4), 536-555.
- Smith, J. S. (Ed.). (2018). *Explorations in place attachment* (p. 1). New York: Routledge.
- Stedman, R. C. (2002). Toward a social psychology of place: Predicting behavior from place-based cognitions, attitude, and identity. *Environment and behavior*, 34(5), 561-581.
- Stockdale, A., & Ferguson, S. (2020). Planning to stay in the countryside: The insider-advantages of young adults from farm families. *Journal of Rural Studies*, 78, 364-371.
- Steele, F. (1981). The sense of place. Bos ton: CBI publishing Company.

- Unpublished MPhil Thesis. Oyo-State, Nigeria: Department of Architecture, Obafemi Awolowo University, Osun State.
- Strien, A. V. (2013). Gated communities in Guatemala City: A socio-spatial perspective.
- Le Goix, R., & Webster, C. J. (2008). Gated communities. *Geography compass*, 2(4), 1189-1214.
- Van Veelen, B., & Haggett, C. (2017). Uncommon ground: The role of different place attachments in explaining community renewable energy projects. *Sociologia Ruralis*, 57, 533-554.
- Von Wirth, T., Grêt-Regamey, A., Moser, C., & Stauffacher, M. (2016). Exploring the influence of perceived urban change on residents' place attachment. *Journal of environmental psychology*, 46, 67-82.
- Wilson-Doenges, G., 2000. An exploration of sense of community and fear of crime in gated communities. *Environ. Behav.* 32 (5), 597–611.

## Analysis of the effect of sense of place in Gated residential complexes (Case study of Ahvaz Oil Town)

**Maedeh Mayahi\***, Assistant Professor, Department of Architecture, Karoon Institute of Higher Education, Ahvaz, Iran.

**Behzad Vasiq**, Faculty of Architecture and Urban Planning, Jundi-Shapur University of Technology, Dezful, Iran.

Received: 2021/9/20

Accepted: 2022/1/30

**Introduction:** Enclosed housing estates are limited-access residential areas that have recently expanded around the world. These complexes achieve the highest quality of private services and escape from urban disorder. Measuring the sense of the place could be a criterion for the success of an urban or architectural complex. The sense of belonging will show the efficiency of the architectural and urban design. So far, these components in spaces regarding job or occupation have not been studied, and the research structure without intervening with the variable was considered the purpose of the project construction. The purpose was to find the factors affecting the creation of the sense of the place in a closed urban complex. The case study was the National Iranian South Oil Company town.

**Methodology:** The research was a quantitative and correlational survey. The information was collected randomly by distributing a questionnaire among residents over 18 years of age living in Naft. The sample size based on Cochran's formula is 362 people. This questionnaire was determined based on the Likert scale. To check the validity and reliability of the measurement tool, first, the validity of the questionnaire was evaluated, during which the items related to the variables were prepared in the form of a questionnaire and it was given to the university professors to express their opinions about their ability to be measured and compliance with grammatical and writing points. In the final test, all the criteria and all the questionnaires were reliable because the Cronbach's alpha value of the resident questionnaire was 77.5 Statistical analysis was done using SPSS software and Spearman's correlation coefficient to evaluate the research model and check its validity, and Friedman's test was used to prioritize the variables.

**Results:** The results show that there is a significant correlation between physical architecture (public and private), activities and social interactions, and hyper architecture. The percentage weight of Friedman's test of the main components were: private physique with 31.12%, indicating the maximum effect on the sense of the place, public physique with 25.50%, hyper architecture with 24.30%, and social interactions and activity with 19.10%, respectively.

**Conclusion:** Show that there is a significant correlation between physical architecture (public and private), activities and social interactions, and hyper architecture. The percentage weight of Friedman's test of the main components were: private physique with 31.12%, indicating the maximum effect on the sense of the place, public physique with 25.50%, hyper architecture with 24.30%, and social interactions and activity with 19.10%, respectively. The results of Friedman's ranking test of the sub-components showed that cleanliness and hygiene, religious association, and access to urban transportation have the highest average rank. These sub-components are the most significant and influential factors in the sense of their place in the oil company. Organization and quality of the interior spaces, social interactions and participation, and access to the town services ranked next. The sub-components, sense of security in the town, and residence duration of the residents have the minimum impact on the sense of the place.

**Keywords:** the sense of place, oil companies, Company Town, Closed City Collections, Ahwaz.

\* Corresponding Author's E-mail: m.mayahi@karoon.ac.ir